دستور جلسه آتیه چون لایحه تفتیشیه وجه استقراضی هنوز نیامده است و کمیسیون قوانین مالیه هم راپورت خودش را راجع بقانون استخدام نداده است این است که دستور تغییر میکند .

دستور ۲۶ راپورت کمیسیون عدلیه راجع بقبول ونکول بروات - راپورت کمیسیون بودجه راجع بیوسف مجاهد .

ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بمتوفیاتی که سهم وارث آنها از دو تومان کمتراست .

دستور شنبه ۲۸ لایحه تفتیشیه - بودجه مجلس شورایملی و تفریغ بودجه ایت ئیل مجلس شورای ملی - طرح قانونی راجع بتجزیه بلوچستان از کرمان - دستور سه شنبه غره جمادی الثانیه - قانون طبابت - راپورت کمیسیون معارف راجع بماده‌ششم قانون معارف درباب دستور مخالفی هست ؟

حاج شیخعلی - هم چنانکه قوه حرکت چرخ اداره مملکت مالیه است روح قوانینی هم که وضع میشود آن قانونی است که برای مالیه وضع میشود در چهارده ماه قبل در اول افتتاح مجلس بنده راجع بوصول مالیات طرحی پیشنهاد کردم بکمیسیون مبتکرات رفت وقابل توجه شد نمی‌دانم چرا هیچ جزء دستور گذاشته نشد که رأی گرفته شود در قابل توجه بودن آن که ببینیم مجلس هم موافق خواهد بود یا خیر وبنده می بینم آن قانون هنوز وضع‌نشده کم کم دارد اجرا میشود مثل‌اینکه تمبر در تلگرافخانه تا بحال دائر نبود و میبینیم که حالا مخابرات تلگرافی هم بتمبر خواهد رسید بنظر بنده بهترین قوانین آن قانونی است که این مالیاتی راکه داریم ترتیب وصول آنرا مرتب بکنند و از حیف و میل باز دارند مستدعی هستم طرحی را که بنده پیشنهاد کرده ام رأی گرفته شود اگر قابل توجه شد بکمیسیون مربوطه‌آن فرستاده شود حالا ازبعد از این سه جلسه جزء دستور بگذارند

فهیم‌الملك - این طرح آقای حاج شیخعلی در کمیسیون مبتکرات قابل توجه شد مجلس هم فرساد بکمیسیون قوانین مالیه ولیکن آن مقصودی که ایشان در پیشنهاد خودشان داشته اند با آن چیزی که دراین قانون تلگراف معمول شده است در باب تمبر این غیر از آن است ایشان طرحشان مشتمل‌است براینکه تمام مالیات درتمام نقاط مملکت وجزء جمعها را تمام بموجب تمبر وصول کنند واین یك مطلبی است که خیلی اسباب زحمت و عجالتاً غیرقابل الاجراء است وبا وزراء مالیه مکرر دراین خصوص ازهمان یك‌سال نیم قبل تا بحال که این طرح را پیشنهاد کردید مذاکره کردیم هیچکدام قبول نکردندکه این را حالا بتوانند قراری‌برایش بدهند مگر درضمن عمل یك ملاحظه ای بکنند و ببینند میتوا اجرا کرد یا خیر آن وقت شروع به اجرای آن بکنند .

وحیدالملك - بنده میخواستم یاد آوری بکنم راجع بنظامنامه انتخاباب که مهم ترین چیزی که درجلو مجلس شورای ملی است مسئله انتخابات است .

رئیس-راجع بدستورنمیشود هروقت‌راپورتش آمد یادآوری بکنند .

وحیدالملك - بله بنده خواستم تقاضا کنم که زودتر راپورتش بیاید .

حاجی‌سیدابراهیم-بنده‌راجع‌بقانون‌عتیقات میخواستم عرض بکنم‌که اگرراپورتش از کمیسیون فوائدعامه آمده است .

رئیس - هنوز نیامده است .

آقاسیدجلیل-چون کمیسیون‌محاسبات‌مخبرندارد و بنده عضو آنجا هستم تقاضا میکنم‌که‌آن ماده را بکمیسیون محاسبات رجوع کنیدکه درآنجا تحقیقات بشود وراپورت داده شود .

رئیس - بالطبع رجوع بکمیسیون شد چون تمام موادی که لاینحل می‌ماند بر می گردد به کمیسیون .

افتخارالواعظین - بنده در باب کمیسیون مبتکرات خواستم عرض کنم از ابتدای انتخابات تا این موقع که . . . . .

رئیس - جواب این را بنده گفتم راپورتش را بدهند عرض میکنم .

مجلس مقارن مغرب ختم شد) .

جلسه ۲۵۱

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه ۲۶جمادی‌الاولی۱۳۲۹

آقای مؤتمن‌الملك رئیس سه‌ساعت ونیم قبل‌از غروب بکرسی ریاست جلوس نموده وسه‌ساعت وربع قبل‌از غررب جلسه‌را رسماً منعقد فرمودند .

آقای معاضدالملك صورت مجلس یوم سه‌شنبه ۲۴را قرائت کرد .

(اسامی غائبین‌جلسه قبل بترتیب‌ذیل‌قرائت‌شد)

آقایان : معاضدالسلطنه -اسدالله‌خان کردستانی دهخدا بدون اجازه

آقاسید محمدباقر ادیب - بااجازه غائب بودند

آقایان دکتر امیرخان — معدل‌الدوله نیمساعت و اعتصام‌الملك ومیرزا قاسم‌خان ۴۵دقیقه — آقاشیخ علی شیرازی ۴۰ دقیقه بعداز وقت مقرر حاضرشدند

رئیس — آقای انتظام الحکماء فرمایشی داشتید ؟

انتظام‌الحکماء - بنده از کمیسیون داخله استعفا نداده بودم .

رئیس — درجلسه قبل‌هم عرض نکردم‌که استعفا داده‌اید گفته‌شد چون‌حاضر نمیشویداین‌است که‌بجای شما کسان دیگر انتخاب میشوند .

انتظام‌الحکما — بنده در کمیسیون‌فوائد عامه هستم‌ولی در یکروزکه دو شنبه است این‌دو کمیسیون تشکیل میشود ونمیشود درهر دو حاضر شوم .

رئیس — عرض کردم در صورت مجلس نوشته نشده است که‌استعفا داده‌اید درجلسه‌قبل‌عرض کردم یکنفر بجای جنابعالی یکنفر بجای‌حاج‌محمد کریم خان یکنفر بجای آقای ادیب‌التجار باید معین‌شود اگرحرفی داشتید میبایست آنروز اظهار بکنید و اظهار نکردید دستور امروز قانون قبول ونکول بروات — راپورت کمیسیون بودجه راجع بیوسف مجاهد — راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع بحقوق متوفیاتیکه سهم‌وراث آنها کمتراردو تومان است آقایان البته در خاطر دارندکه قانون قبول ونکول بروات درسال گذشته از مجلس گذشت ولی‌بملاحظه اشکالاتیکه‌پیش‌آمده بودمجدداً بمجلس رجوع شد وازمجلس بکمیسیون عدلیه رجوع‌شداز کمیسیون عدلیه راپورتی داده‌بودندکه ماده اول و ماده دوم وسوم وششم را تغییر داده‌بودندویکماده دیگرهم بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد کرده‌بودند و بعضی اصلاحاتی هم ازطرف نمایندگان محترم شده بودبرگشت بکمیسیون حالا راپورت‌ثانوی کمیسیون مطرح مذاکره خواهدشد — باید رأی بگیریم‌که داخل درشور دوم بشویم یاخیر آقایانیکه موافقند بااینکه داخل شور دوم‌بشویم‌قیام‌نمایند(تصویب‌شد)

ماده اول رابخوانید

بعبارت ذیل قرائت شد .

ماده یك- اگر برات کننده در برات تصریح باخذ وجه آن نموده وبعد انکار مدیونیت کند از او پذیرفته نخواهد شد .

معاضدالملك - بنده تصور میکنم که این ماده اول خیلی تولید زحمت و اشکال خواهد کرد برای تجار بجهت اینکه مینویسد اگر انکار از مدیونیت کند از او پذیرفته نخواهد شد ملاحظه بفرمائید اگر تصریح نکرد آنوقت تکلیف چیست بعقیده بنده نباید مجبور کرد که شخص برات کننده تصریح باخذ وجه میکند والا باز دوچار اشکالات خواهیم شد اگر مجبور کردیم در اینصورت که برات کننده هم تصریح باخذ وجه نماید میتوان این را ماده قانونی دانست والاممکنست هرروزه تجار طرف مقابل را انکار کنند و هیچ این عبارت را ننویسند در بروات که وجه رسیده یك زحمت فوق‌العاده‌راتجار داشته‌باشند نسبت بکسیکه تصریح باخذ وجه نکرده و طرف مقابل را دچار زحمت میکند از اینجهت بنده یك پیشنهادی کرده‌ام که خوانده میشود .

آقاشیخ‌ابراهیم زنجانی (مخبر کمیسیون عدلیه) — پیشنهاد آندفعه ما این بود که امضاء برات دهنده را در ذیل هربراتی دلیل اخذ وجه گرفتیم آنوقت اگر چه نمیشد که تا پول نگیرد امضاء نکند و لکن مذاکره شد گفتند که ممکن است کسی پول نگیرد و برات میکند و امضاء میکند بیایند خواهش بکند که شما حواله میکنید به آنجا اگر طرف قبول کرد من اینجا میدهم و گفتند از این اتفاقات در امور تجارتی هم هست یعنی وقوع دارد ممکن است کسی خواهش میکند که شما برات میکنید بفلان‌جا که فلان مبلغ بفلان کس بدهند بعد از اینکه طرف قبول کرد و داد بنده این جا میدهم پس معلوم میشود که این قبیل هم ممکنست برواتی صادر بشود بنابراین ماآمدیم شرط کردیم که در بروات تصریح شده دیگر نمیتواند انکار بکند ودر بروات تصریح نشده‌اگر انکار کرد برات دهنده آنوقت باید محاکمه میکنند او میگوید تو نداده ای این میگوید داده ام و این ترتیب خیلی خوب است و نمیتوانیم مجبورهم میکنیم که حتماً تصریح بکند

بجهت اینکه آنکه پول داده است وبرات میگیرد اگر دیگر در برات تصریح نشده است میگوید باید تصریح بکنید اگر پول نداده است آن برات دهنده هم‌تصریح نمیکند برات گیرنده هم نمیگوید چرا تصریح نکردهٔ نه‌حق دارد بگوید و این که الزام بکنیم برات دهنده را که تصریح بکند بماچه دخلی دارد الزام بکنیم اگرپول داده است و او پول گرفته است تصریح میکند و اگر تصریح نکرد پول دهنده او را الزام به تصریح کردن میکند اگر پول نداده است تصریح نمیکند و باین ترتیب حواله میکند که هزارتومان به‌فلان کس بده دیگر نمینویسد که هزار تومان گرفتم اگر گرفته است آن‌دهنده هم می گوید تصریح کن اگر نگرفته است چرا بنویسد که من گرفتم و این ترتیب که نوشته شده خیلی خوب ترتیبی است.

دکتر علی‌خان — مخالفت بنده‌نظر بمواد قبل است بنده درنظر دارم که‌نوشته شده بود کسی که قبولی رامینویسد باید بچه‌عبارتی قبولی بنویسد وکسیکه نکول مینویسد باید بچه عبارتی بنویسد و بنظر بنده آن‌مطلب که‌آنجا قیدشده است آنوقت آن مطلب بکلی با آن ماده مخالفت داشته باشد بجهت اینکه اگر دربرات تصریح باخذ وجه بکند بنظر بنده‌مخالفت خواهد داشت‌باآن ماده‌که درآن معین شده است‌که کسیکه قبولی برات را مینویسد بآن عبارت بنویسد پس دراین‌صورت گمان‌نمیکنم اگر بخواهد تصریح بکند موافقت داشته با آن ماده که درسابق ذکر شده است حالا میخواهم بفرمائید که این ماده موافقت دارد با آن ماده یا خیر.

آقاشیخ ابراهیم زنجانی - گویا اشتباه کردید این ترتیب راجع به‌برات گیرنده یا برات دهنده است وآنکه میفرمائید راجع به آن قبولی نویسنده است‌که وقتی قبول کرد بنویسدبآن‌عبارت که درآنجا نوشته شده‌است من قبول میکنم وقتی نکول کرد بآن عبارت بنویسد من‌نکول میکنم‌و این شق‌اولی است‌که رفتار برات گیرنده با برات دهنده باشد هنوزبه‌آن نرسیده‌ایم.

رئیس — آقای مدرس فرمایشی داشتید بفرمائید.

مدرس اصفهانی - آنطوریکه فرمودند صحیح است وغیر ازآن نیست.

بهجت — این ماده اول که اینطور نوشته شده هیچ قانونیت ندارد اگر ملاحظه بفرمائید معنیش این است‌که اگر کسی اقرار کرد که من مدیون کسی هستم دیگر انکار نمیتواند بکند-این هیچ ربطی به‌مسئله بروات ندارد درجائیکه حواله کرد وتصریح نکرد قانون بایدیك طوری باشد که تکلیف رامعین کند وحکم را منحصر کند بیك صورت که‌صورت واضح باشد وقتیکه پول‌را آنجا پرداخت واوحواله کرد اگر انکار نکرد آنوقت چه خواهدشد والا در صورتیکه تصریح میکنید دیگر محتاج بنوشتن این قانون دراین جا نیست وبنابراین تقریر این ماده توضیح واضحات کرده درصورتیکه بگوید من‌مدیون هستم دیگر نمیتواند آنکار کند واین محتاج میشود باینکه یك قانون دراینجا برای اووضع کنیم.

آقاشیخ ابراهیم زنجانی-به‌عقیده بنده‌بعد ازآن بیان که عرض کردم این‌اشکال دیگر جا ندارد بجهت‌اینکه ما میخواهیم براتی که در او تصریح‌شده مثل اقراریکه پیش حاکم شرع‌شده زیرا این‌اقرار بدهیم و این کار خیلی بزرگی است در برات همین که امضاء کرد که من فلان پول راگرفتم دیگر نمی تواند بگوید من اورا نگرفته ام یانگرفته بودم و قرارشد که فلان طور بشود ومن‌بفلان جهت حواله کرده بودم اینهارا نمیتواند بگوید هرگاه واقعاً هم پول نگرفته است باید بدهد اگر پول نگرفته است وخواهش کرده اند از اوکه برات بکند و او قبول کرده است همین قدر می نویسد که هزار تومان بده دیگر نمیتواند بنویسد که من‌هزار تومان گرفتم و بده بفلان شخص بجهت اینکه آنرا در صورتیکه پول گرفته است مینویسد واگر هم ننویسد آنکس که پول داده است میگوید پول گرفتی باید بنویسی که من هزار تومان پول گرفتم بده و آن صورت هم‌که عرض کردم که پول نگرفته حواله میکند آن هم دربین مردم خیلی معمول است.

بهجت — باز بنده عرض میکنم و تکرار میکنم در صورتیکه تصریح نکند برات دهنده و انکار بکند حکمش چه چیز است این را بفرمائید به بینیم چه حکم خواهد داشت واین دارنده برات میتواند باو رجوع کند یانمیتواند

آقاشیخ ابراهیم زنجانی — وقتیکه در برات تصریح نشده است ودهنده برات هم‌منکرشده است این را میفرمائید ؟

بهجت — بله همین صورت را عرض می کنم.

آقاشیخ ابراهیم زنجانی — آن وقت میروند محاکمه میکنند او میگوید پول داده ام‌آن میگوید پول‌نداده منکراست میروند محاکمه‌میکنند محاکمه برای همین کار است و در صورتیکه پول گرفته است که تصریح باید بکندآنوقت فرق‌ندارد بین برات یا تمسك مینویسد فلان مبلغ پول گرفته ام ودرصورتیکه تصریح نکرده و انکار بعد کرده است برات او علی‌الوجه‌را میکند او میگوید توبمن پولی ندادهٔ سندت را ابراز بکن من کجا از تو پول گرفتم.

رئیس — گویا مذاکرات در این باب‌کافی باشد اصلاح آقای معاضدالملك خوانده میشود در قابل توجه بودنش رأی‌میگیریم بعد در خود ماده رأی خواهیم گرفت اصلاح را بخوانید (اصلاح آقای معاضدالملك بعبارت ذیل قرائت شد)

برات کننده باید در برات تصریح باخذ وجه نماید چنانچه پس از تصریح باخذوجه از مدیونیت انکار نماید پذیرفته نخواهدشد.

رئیس — رأی میگیریم در این اصلاح آقایانیکه این اصلاح راقابل توجه‌میدانندقیام‌نمایند قابل توجه‌نشد (یك مرتبه‌دیگر،ماده‌اولی را بخوانید (مجدداً ماده اولی قرائت‌شد).

رئیس — آقایانیکه این ماده‌اولی‌راتصویب میکنند قیام نمایند. (باکثریت ٤٥ رأی‌تصویب‌شد) ماده دوم را بخوانید

ماده دوم بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - برات گیرنده اولی میتواند وجه‌آنرا از کس دیگر گرفته برات را باسم اونماید ودومی به سومی هکذا هرچند نفر باشند در این صورت تمامی برات کنندگان‌مدیون یکدیگرند باین معنی که درصورت پروتست برات هر لاحق بسابق خود رجوع کرده وجه خود را دریافت میدارد تابرسد بحواله کننده اولی.

بهجت — فقط نظر بنده باین جزء اول است که اگربرات راپروتست نماید مقصود این‌است که‌متن برات را تغییر بدهد وحال آنکه درحاشیه‌او یك چیزی خواهد نوشت یابه این عبارت طوری نوشته شود که مطلب مفهوم شود و بطور وضوح نوشته شود.

افتخارالواعظین — گویا مراد کمیسیون هم از این عبارتی که نوشته است این است که وقتی که وجهش را میگیرد وبرات را میخواهد باوبدهد متن برات راتغییر نمیدهدبلکه در حاشیه اومینویسد که من این‌وجه برات را از فلان کس مأخوذداشتم در وجه این شخصی که این پول‌را بمن داده است بایدپرداخته‌شود مقصود کمیسیون هم‌همین بوده‌است

آقاشیخ ابراهیم زنجانی — مقصودواضح است همان‌برات را کسی بکسی داده دربرات‌نوشته است بفلان بده او هم مینویسد بفلان کس بده‌مراد واضح است بجای حواله‌همین طورازین دست‌بدست دیگر گردش میکند بنده این عبارت راکافی میدانم خوب هم نوشته شده برات گیرنده اولی میتواندوجه آنرا از کسی دیگر گرفته برات را باسم او نماید یعنی برآن‌براتیکه دردست دارد وخودش از کسی دیگر گرفته است حالا میخواهد پولی از دیگری بگیرد این را باو بدهد نوشته‌ایم (برات را باسم او نماید) اگر مینوشتیم باسم او برات کند آن چنین میفهماند که یعنی علیحده برات کند اماوقتی که نوشتیم باسم او نماید یعنی همین برات را عقیده‌من این است‌که این بهترین عبارت ها است.

وکیل‌الرعایا — چیزی که آقای بهجت خواستند از مجلس دراین ماده خیلی لازم است و بدون آن ناقص است‌وخیلی این مقصود قابل‌تمجید است چنانچه فرمودند برای اینکه این‌برات معلوم است بیك مقصدی حواله میشودوچیزیکه حواله دهنده اولی نوشته است باید ثابت نماید دراونوشته شده است‌که این وجه‌را بحواله کرد وکیل الرعایا بپردازید این حواله‌که داده می شود میتواند بحواله کرد او همین‌طور دست بدست گردش کند دومی وسومی وبیشترهم ممکن است بگرددهی دیگری بدیگری حواله میکند ویك قسمت‌ازمطالب متن را بامضای خودش تکرار میکندکه این هزار تومان وجه ظهر رااز فلان گرفتم بحواله کرد او بدهید اوهم باید تقریباً یك‌همچو چیزی را بدومی بنویسد واگر این‌ماده بدون آن تقاضای آقای‌بهجت باقی بماند ناقص میماند ومطلب راناقص نگاه‌میدارد وشاید برما لازم شودکه این توضیح رابدهیم‌بجهت اینکه اگر این توضیح‌را ندهیم‌اساسش ناقص‌خواهد ماند واساسش‌بسته بآن‌است.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی — مطلب راهمه میدانند مطلب هم همان‌است حواله کرده‌است بفلان آنهم حواله کرده است بدیگری مینویسداین حواله‌که بمن شده است بفلان بده دیگری هم همین را مینویسد درصورتیکه اوهم بدیگری حواله‌میکند واین عبارت‌کافی است یا عبارت دیگری پیدا کنید غیراز این که بهتر باشد این عبارت بعقیده بنده خیلی واضح است برات را باسم او نماید یعنی بنده میتوانم وجهی‌راکه درآن برات است ازیکی دیگر گرفته برات را باسم اونمایم اگر این عبارت کافی نیست عرض کردم عبارت بهتری پیدا کنید آن نوشته شود.

معین الرعایا — در شوراول آقای وزیر فرمودندکه دارنده برات حق داشته باشدبعداز آن که برات را قبولی نویسنده قبولی نوشت هم‌ازقبولی نویسنده وهم از سایرین‌که آن برات بدست آن‌ها رسیده است وحواله داده‌اند بگیرد و این را بنده هیچ صحیح نمیدانم بجهت اینکه برات راکه کسی حواله دادآن‌قبول کننده برات‌که برات‌را قبول کرد این شخص حواله دهنده این‌وجه را باومیرساند بعد اگر دارنده برات‌آن اختیار را داشته باشدکه‌اگر بخواهد بسر موعد وجه‌برات را یا از کسیکه قبولی نوشته است بگیرد یا از آنکه برات را داده است این برخلاف منافع تجارت است وبعقیده بنده این رشته تجارت را متزلزل خواهدکرد وازهم خواهد گسیخت وقتیکه قبولی نویسنده قبول کرد و قبولی نوشت برذمه اواست که‌آن‌وجه را بدهد والا اگر غیرازاین باشد چنانچه بنده در شور اول هم گفتم این خیلی بداست‌که یك اختیار بدست دارنده برات داده شودکه بعداز آنکه آن‌قبول کرد وبرات‌قبولی نوشته‌شد صاحب‌برات‌هم ازبرات‌دهنده‌هم‌از کسیکه قبولی نوشته بگیرد درهرصورت ذمهٔ یکی از اینها مشغول خواهد بود یاذمه برات دهنده مشغول است یاذمه قبولی نویسنده و بنده نمی‌دانم مطابق کدام قانون این حق‌را بدارند برات میدهید که از قبول کننده یا از دهنده‌برات بگیرند.

آقاشیخ ابراهیم - این‌ماده که‌الان خوانده شداین‌را میفرمائید یاماده کسابق بوده‌اینماده‌میگوید اگر قبولی نویسنده‌نداد بااومحاکمه نمیکندپروتست میکندبرمیگردد سربرات دهنده‌یااگر ایادی‌متوسطه دربین هست برمیگردد بسر سابقی این‌ماده این‌است کجای این‌را اشکال میفرمائید اگر بالاخره‌ازایادی متوسطه‌منتهی‌شدبه‌برات‌دهنده‌اولی‌بدیهی است‌حکماً میتواند ازاو بگیرد کجای‌این اشکال دارد.

رئیس -گویاآقایان مذاکرات راکافی‌بدانند (بعضی‌اظهار کردند- کافی نیست.)

رئیس -پس رأی‌میگیریم دراینکه مذاکرات کافی است یاخیرآقایانیکه مذاکرات راکافی‌میدانند قیام‌نمایند (مذاکرات‌راکافی‌ندانستند).

وزیرعدلیه -بایددراین ماده‌یك‌چیزی‌تصریح شود درباب‌ایادی متوسطه که‌هر لاحق به‌سابق‌رجوع میکند صحیح است که‌هر لاحق‌بسابق رجوع‌میکند لکن باید قیدشود که‌هرگاه یکی ازایادی متوسطه غیرمعتبر بیرون‌آمد میتواندبسابق اورجوع کنداگر همینطور که‌گفته شدبرات پروتست‌شدو دست‌بدست آمدو دربین یکی‌از ایادی متوسطه‌غیرمعتبر درآمد آنجا بایدپول اوسوخت شود بموجب این‌ماده برای اینکه ننوشته‌است که‌باید بسابق‌خودش رجوع‌نماید چون‌مجبوراست که‌بترتیب‌لاحق‌بسابق‌برود واین‌مطلب دراینماده قیدنشده است.

رئیس -پس‌خوب‌است‌یك چیزی‌بنویسندآقای هشترودی مخالفید ؟

هشترودی -بله.

رئیس -بفرمائید.

هشترودی -چون‌درماه اول نوشتیم که‌اگر برات کننده تصریح دربرات کند باخذ وجه‌بعد از آن‌نمیتواند انکار کند (این اگررا) نوشتیم و یك صورتی هم‌از ماده اول‌پیدا شدکه‌بر فرض ننوشت‌چه میشودچنانچه‌آقای‌مخبرمحترم گفتندآن‌وقت‌بمحاکمه میروند آن‌میگوید من‌وجه را داده بودم آن انکار میکند پس‌معلوم است‌که یك‌چنین برات هم خواهد بود که شاید اخذ وجه را بنویسد همچنانکه اجبار نکردیم که‌بنویسد من‌پول راگرفتم بعداز آن‌برات رادادم اینکه درماده‌اول گذشت ودراین ماده‌بنده‌به عقیده خودم این‌جمله وجه‌آنرا ازکسی‌دیگر گرفته این رازائد میدانم بجهت اینکه‌بعداز آنکه من‌برات راگرفتم ونوشته بود دربرات که‌از فلان شخص که‌به من‌میرسد منهم این‌برات‌رابدیگری دادم ونوشتم‌که به‌فلان شخص برسد فرض بفرمائید اوهم هیچ‌ننوشته بودکه وجهش به‌من رسید منهم‌بشخص ثالث داده‌ام این‌برات راو لازم هم‌نیست که‌وجه‌رااز اوبگیرم‌همین قدر درآن‌برات مینویسم که‌این‌وجه‌را به‌فلان‌شخص بپردازند دیگروجه آن‌را ازکس دیگر گرفته‌این قید رازائد میدانم بلکه به‌عقیده بنده زائد که سهل است بلکه منافی با ماده اول است این است که بنده پیشنهاد هم کرده‌ام که برات دهنده اولی میتواند همان را در ظهر وجه باسم دیگری حواله بدهد دیگر اینکه وجه آنرا ازکس دیگر گرفته این رازائد بلکه منافی باماده اول میدانم

رئیس — پیشنهاد حضرت‌علی بی امضاءبود

هشترودی — امضاء کرده ام.

رئیس — پس مال حضرت‌عالی نیست‌چون‌یك پیشنهادی آمده که امضاء نشده.

آقاشیخ ابراهیم زنجانی — این همان اصطلاح تجارکه فروش برات میگویند همان است کسیکه برات دردست دارد بدیگری حواله‌میکند این‌را فروش برات میگویند در اصطلاح تجار این نگرفتن وجه‌ندارد مثل این‌است‌که این کاغذی‌است میفروشد بدیگری پول میگیرد او هم میفروشد بدیگری وآن باز بدیگری ومثل اسکناس اعتبار پیداکرده است اینکه مینویسد ودومی بسومی‌یعنی کسیکه این‌برات رابدیگری میکند این دیگرپول نگرفتن ندارد پول‌گرفته‌است‌و اینکه آقامیفرمایند پس مدیون یکدیگر بودن هم‌غلط است و رجوع بیکدیگر هم غلط است وحال اینکه اینطور نیست این فروش برات است نهایت این است که‌فروش‌برات را ما اسم نبردیم بجهت اینکه شرعاً تصور ندارد یعنی معنی ندارد ازاین باب گفتیم این قرض است برذمه دهنده برات میگوید برو از فلان کس بگیر آنهم بهمین ترتیب بدیگری میگوید این‌پول‌را من ازتوقرض میگیرم توهم برواز فلان کس بگیرآنهم میرود از اومیگیرد اگر نداد برمیگردد باو اگر اونداد برمیگردد بسابق اوو همین‌طور بآن کسی که این رااول حواله وبرات‌داده است‌پس اینجانگرفتن وجه ندارد ومدیون یکدیگرند و رجوع هم بیك دیگرمیکنند ومنافی‌باماده اولی هم‌نیست وبیکدیگر هم میفروشند مثل ماده اول است.

وکیل‌الرعایا — بنده عرض میکنم‌که آن عرایض اولی یك قدری‌بیشتر باید قابل توجه شود برات کننده دروقتی‌که امضاء کرد چنانچه قانون‌حق باو دادکه ازاو پول گرفت باید بنویسد گرفتم‌معلوم است تانگرفته چطور مینویسدکه‌گرفتم بعد که از دست او بیرون آمد حواله مسلم است که میشود همانطوراشخاص بیکدیگر حواله‌بدهندحکم‌اسکناس ندارد لکن بعداز اینکه حواله کردند بازحکم‌آنها مختلف میشود چطور مختلف میشود اگر آنهم نوشت‌که وجه ظهر راگرفتم و بحواله کرد فلان بپردازید که حکم قانون را مجری میدارند اگر ننوشته است که‌گرفتم همین قدر مینویسد که وجه ظهررا بدهید بفلان اما ننوشته است‌که گرفته ام آنوقت‌بطوریکه فرمودند درصورت انکارباید‌رجوع بمحکمه شودکه برود مرافعه بکنندپس مانمیتوانیم همه‌چیز رابکلی بیاوریم دریك ماده‌قانون بگنجانیم برای اینکه آنها هم‌بجای خودشان‌کار خودشان‌را میکنند آن چیزی را که ما میتوانیم بنویسیم این است که بگوئیم بآن امضاء کننده اولی که تودر وقتی‌که گفتی من‌گرفته‌ام ما از تو قبول نداریم که‌یك عذری رابعدها پیشنهاد کنید این یك جزء ازقانون این‌قدر ازفائده رانشان‌میدهد واما‌یك استفاضه اینجا میشود کرد وآن این‌است که‌آن‌امضاء کننده مطیع این‌وآن نیست یعنی مطیع آن‌دومی و سومی نیست که‌بدیگری بفروشد تااعتبارمهروامضای او نشکند برای اینکه‌ممکن‌است کلاه دیگری را بخواهند بردارند او تلگراف کند پول‌فلان کس‌را ندهید توقیف کنید شاید خیلی‌هست که برای اینکه عنوان‌شان محفوظ‌بماند پولی‌را دربرات نوشته است که گرفتیم دزد برده‌است درآن برات حرف‌نمیزند آن پول‌را میبردازدبعدمیگوید که‌آن برات مضی نیست پس‌مانمیتوانیم همه‌این ترتیبات رادر یك‌ماده قانون بگنجانیم این‌یکی معلوم است وقتی که آن حواله برگشت وبه‌آن حواله کننده رجوع‌شداوباید این‌را بدهد آن اشخاصیکه دربین هستند آنها هم مختلفاً حواله کرده‌اند اگرآنها هم همین رارعایت کرده‌اند ونوشته‌اند که‌گرفته‌ایم‌آنهم‌همین‌طوررجوع میشود به‌بعد تااینکه برسد به‌آن حواله کننده‌اولی واوباید این وجه‌راپردازدچیزیکه اخیراً عرض‌میکنم این است که‌تمام جزئیات را نمیشود اینجا گنجانید واینقدر ازفایده راکه این‌ماده شاملاست‌کافی‌است.

آقاسیدحسن‌مدرس - این مسئله گمان میکنم که‌این ترتیبش هیچ جای شبهه نیست و آن لفظی راکه‌آقایان فرمودند که دربرات باید نوشته شود چندان لزومی ندارد برای اینکه این عبارت خودش مقصود را میرساند حالااگر عبارت واضحی بخواهند بنویسند مسئله‌نیست ترتیب پروتست‌هم‌همین قسم است که‌کل واحدازاین برات دهنده‌هایانوشته است که‌گرفته‌ام‌یانوشته‌است‌اگر نوشته‌است‌گرفته‌ام

که بحکم اولی است واگر ننوشته‌است که گرفته‌ام باز منافات باآن حکم اولی ندارد بجهت‌اینکه‌آن کسیکه گفته است گرفته‌ام بدون محاکمه از او میگیرند وآنکه ننوشته‌است گرفتم محتاج به‌محاکمه است‌امادرباب‌فرمایشی که‌فرمودند که‌میتواندهرلاحقی درصورتی که سابق او غیر معتبر بود بغیر سابق خود یعنی به‌قبل ازسابق خود رجوع میکند خیلی چیزهااست که درعالم اگر اتفاق بیفتد بنظر خیلی بد میاید لکن نمیشود اتفاق بیفتد من آ کسیکه پول باو داده‌ام میتوانم‌باو رجوع بکنم واوهم‌پول بهر کس داده‌است برود بگیرد این یك‌ترتیبی است که عقل‌هم باآن همراه است و اما اینکه یك کس دیگر پول بیك کس دیگر داده‌است من‌حق داشته باشم که‌پول خودم را بروم‌ازاو بگیرم این‌خیلی بی ترتیب است لهذا حکم مسئله‌همین‌است که‌هر لاحق بسابق خودش رجوع بکند وآنهم بآنکه‌پول‌داده است رجوع بکند وهمین‌طور تابرسد بآن کسی که اول برات داده است والا اینکه اگر یك نفر از این میان بیفتد من حق داشته باشم و بتوانم بآن کسی که قبل از او است رجوع بکنم من که باو پول نداده‌ام که حالا از او مطالبه پول خودم را بکنم این وجهی ندارد از این جهت بعقیده بنده همان‌ماده صحیح‌است

وزیرعدلیه — این قانون برای‌روابط‌تجارت دولت نوشته میشود و ما باید در این‌قانون تمام آن نکاتیرا که ازلوازم روابط تجارت‌ملحوظ‌بداریم و بهمین‌جهت عقیده بنده اینست که مجلس یا این قانونیرا که گذشته است ازمجلس و بکلی مخالفست با روابط تجارت بکلی‌حذف بکند یا اگرمیخواهد یك قانونی بنویسد که قانون صحیحی باشد برای اینکه‌چنانچه امروزملاحظه میفرمائید ازاینقانونیکه سابقاً ازمجلس گذشته است وحالا دردست‌مردم‌است از اطراف داخله و خارجه شکایتها میرسد و بنده میبینم که این ابتلای بزرگی از برای تجارت ما خواهد شد بنده این‌را که میفرمایند این ترتیب عقل با او همراه نیست نمیدانم و عرض میکنم شما باید یك ترتیبی از برای تجارت خودتان بدهید که صحیح باشد برای اینکه شما نمیتوانید بگوئید ما دور خودمانرا یك دیواری میکشیم وکاری بکسی نداریم و این قانونرا از برای خودمان مینویسیم تجارت وطن‌ندارد باید یك ترتیبی‌را قرار داد که مخالف با ترتیب عموم نباشد اگر چه بنده نمیتوانم تصور بکنم که یك ترتیبی در تمام دنیا بین مردم باشد که با عقل موافقت نداشته باشد و بنده حالا از ترتیب فلسفه این کار صرفنظر میکنم و داخل فلسفه‌اش نمیشوم لکن همین‌قدر عرض میکنم که شما اگر میخواهید ترتیبی از برای‌تجارت خودتان بدهید‌نمیتوانید بگوئید که مایك‌دیواری‌دور خودمان میکشیم واینرابرای‌خودمان مینویسیم ودرصورتیکه نمیتوانید همچو قانون بگذارید بهتر اینست که بسکوت بگذرانید و اگر غیراز این باشد جزضرر چیز دیگری نخواهید دید چرا بجهت‌اینکه تجارت ناچار ازامور بین‌المللی‌است و قانونیرا که‌میگذارید نباید مخالف قوانین بین المللی و قوانین تجارت باشد و اگر یك همچو قانونی خواستید بگذارید بهتر اینستکه هیچ قانونی نگذاریم برای‌اینکه‌اگر گذاشتید و مخالف شد وقتیکه برات‌مارفت‌بپاریس ولندن آنها موافق قانون خودشان رفتار خواهند کرد و غیر از اینکه ضرر ببریم نتیجهٔ دیگری نخواهد داشت شما تصورنکنید که وقتیکه برات‌شما ازآنجاها برگشت‌موافق قانون‌خودتان‌رفتارخواهید کرد آنها باما عهدنامه‌ها دارند و ( ) دارند و موافق‌آنها هرچه را بخواهند ازماخواهند گرفت ودراین‌صورت ما از این ترتیب‌ضرر خواهیم برد پس برای حفظ روابط تجارتی و حفظ منافع تبعه خودمان حتماً باید اینرا قید بکنید که‌هرلاحق بسابق خود رجوع میکند و درصورتیکه‌آن سابق غیرمعتبر درآمد حق دارد از او بگذرد و بسابق او رجوع بکند بجهت اینکه مکرر دراینجا عرض کرده‌ام تجارت یك چیزی نیست که تعطیل بشود تا اینکه دو ماه شخص برود در یك محکمه و (آئوکا) بگیرد که این شخص معتبر است یا آنکه او بگوید من مفلسم این بگوید تو مفلس نیستی در تجارت کسی وقت اینکار ها را ندارد بلکه بمحض اینکه سابق من غیر معتبر در آمد او را میگذارم بسابق میپیچسبم او ندارد بسابق‌او و همین طور تا برسد به اولی از این جهت بنده‌تصورمیکنم که حتماً نوشتن این جمله در این ماده‌لازم است‌نظر باینکه باید حفظ روابط تجارتی وحفظ تبعه خودتان را بکنید و نظربآن اهمینی که نمیتوانید دورخودتان را دیوار بکشید والاابداً این ماده فایده ندارد‌بلکه ضرر داشت حالا دیگر خودتان مختارید .

رئیس — آقایان مذاکرات راکافی نمیدانند (گفتند خیر .)

پس رأی میگیریم در اینکه مذکرات کافی‌است یاکافی نیست آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) پس معلوم میشود که مجلس مذاکرات را کافی نمیداند . آقای معین‌الرعایا .

حاج‌معین‌الرعایا — اظهاراتی راکه‌آقای وزیر عدلیه فرمودند تصور میکنم منکر نداشت این در سایر ممالك و هم چنین در ایران‌معمول بوده‌است که وقتیکه برات‌برگشت‌هرلاحق بسابق خودرجوع میکرد این هم منکر ندارد اما در صورتیکه برات برگشت بکند یعنی آن‌قبول‌کننده قبول نکند و بر گردد و اینکه اینجا مذاکره میشود برای این است که بعد از قبول کردن باید وجه را بدهد پس در وقتیکه قبول کننده‌قبول نکرد در تمام عالم وهمچنین در ایران تا بحال‌معمول بوده است که‌هرلاحق‌بسابق خودش رجوع میکرد و پول خودش را بآن کسیکه داده‌بود میگرفت ولی نه‌بعد از سه ماه بجهت اینکه این شخصیکه هزار لیره برات‌میدهددر ظرف سه‌ماه آن هزار لیره را میدهد و آن وقت سه ماه آن‌قبول کننده دلش میخواهد وجه را ندهد یا دارنده برات صرفه‌اش این است که این وجه را در آنجا بگیرد و اگر در آنجا ما بخواهیم که باید رجوع بسابق خود بکند این خیلی‌بی‌ترتیب‌خواهد شد مثلافرض‌بفرمائید شخصی‌در طهران برات داده است برای تاجری در بغداد و در آن هم نوشته است که من وجه این را گرفته ام و بعد از برات دادن هم وجه برات را از برای طرف‌خودش‌میفرستد آن وقت‌این برات‌دارنده میبیند که اگر در بغداد بخواهد پول خودش‌رابگیرد از برای او صرف نمیکند و در طهران بهتر است‌و در اینصورت اگر ما بگوئیم حق دارد از آن کس برات گرفته‌است مطالبه کنداین یك ظلمی خواهدبود که ما در حق آن‌برات‌دهنده کرده ایم والادرصورت برگشت این مسلم است و در تمام جاها و در ایران هم معمول‌بوده‌است که‌درصورتیکه‌برات‌برگشت‌میکرد هر کس‌بهر کس که‌پول‌داده‌بود‌پول‌خودش رامیگرفت یعنی هرلاحق‌بسابق خودش‌رجوع میکرد.

آقاشیخ‌ابراهیم‌زنجانی - تمام اشکالات از این تولیدشده است که بعد از آنی که‌پول‌دادوبرات گرفت و آن کسیکه باو حواله شده است نداد این شخص مجبور نیست که با قبولی نویسنده محاکمه کند پروتست دو قسم است یکی پروتست عدم‌قبول است یکی پروتست عدم اداء پروتست عدم قبول‌این است که از اول قبول نمیکند و نمیدهد پروتست عدم اداء این است که قبول میکند ولی نمیدهد یا دردادن مسامحه میکند و دراین هردوصورت پروتست‌میکنند و برمیگردد بسابق در قانون سابق این طور نوشته شده بود که قبولی نویسنده باداء وجه ملزم است و این اشکالات از آن ناشی شدکه کسیکه قبول کرد بعد از آن تأدیه‌وجه نکرد موافق قانون تجارتی‌آن برات برمیگشت یعنی هرلاحق بسابق خود رجوع میکرد و مابرخلاف آن نوشته بودیم این بود که این اشکالات شده بود وحالا میخواهیم آن‌اشکالات را برداریم اما در مسئله‌که آقای وزیر فرمودند که در بین این برات دهندگان هرگاه یکی غیر معتبر شد چه باید کرد ما سابقاً هم نوشته بودیم که کسیکه دارنده‌برات است‌میتواند با یادی متوسطه بلکه‌باولی رجوع بکند و همینطور هر کدام که نا معتبر شد می تواند بسابق آن دارنده برات رجوع بکند و این برحسب شرع هم‌صحیح است که هریك مدیون‌دیگری است این مدیون او مدیون او وهکذا علاوه براین یك وجه دیگری هم میشود برای افکار پیدا کرد که کسیکه مدیون من است وقتیکه از او درنمیآید وکارهم باین ترتیب شده است یعنی به ایادی متعاقبه گردیده است من میتوانم من باب تقاص از سابق او بگیرم نظر باینکه‌همین‌وجه را که من از اومیخواهم او ازسابق خودش طلب داردحالا باید دراینخصوص مذاکره کرد .

حاج وکیل‌الرعایا - چون درضمن‌مخلوط شد آن پیشنهاد وزیر با این ماده و بعضی چیزهاهم دراینجا پیدا شد که باید مجلس برای رأی دادن ملتفت آن بشودگمان میکنم در آن چیزی که‌آقای وزیر پیشنهاد کردند و میخواستند آقای مدرس هم هیچ ایرادی‌نداشتند برای اینکه در وقتی که شخص پول میدهد .

رئیس - شما میخواهیدبفرمائید که بین وزیر و آقای مدرس مخالفتی نیست با ماده اگر مخالف هستید بفرمائید .

حاج وکیل‌الرعایا - با ماده‌مخالف نیستم میخواستم توضیحی در اینخصوص بدهم .

رئیس - لازم نیست .

دعاضدالملك - بنده تصور میکنم که‌قانون برای تسهیل امراست و این قانون بروات تجارتی

که در اینجا نوشته میشود بجای تسهیل امر تجارت را تضعیف میکند وتأیید میکنم فرمایش آقای وزیر را که فرمودند اگر این قانون را ننویسیم خیلی راحت تر خواهیم بود در ماده اول بواسطه اضافه کردن یك لفظ (را گر) یك اشکال فوق‌العاده از برای تجار فراهم شد که باید در هرمورد بروند محاکمه بکنند و دراین ماده هم بطوریکه آقای وزیر عدلیه فرمودند اگر بنویسیم هر لاحقی بسابق خودش و در صورت غیر معتبر در آمدن آن سابق به سابق از او می تواند رجوع بکند بازهمان اشکال اولی که‌دربین‌بود باقی خواهد ماند ازاین‌جهت بنده تصور میکنم که‌باید آن‌جمله پیشنهادی‌آقای وزیر عدلیه را اضافه کرد و الااین قانون را بکلی حذف کنیم بهتراست از این که زحمت بکشیم وازمجلس بگذرانیم .

رئیس — مجدداًرأی‌میگیریم‌دراینکه‌مذاکرات کافی‌است یاکافی نیست (گفتند کافی‌است) آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام کردند) باکثریت تصویب شد که مذاکرات کافی است حالا اصلاح قرائت میشود و در آنها رأی میگیریم .

(اصلاحی‌ازطرف آقای آقامیرزا ابراهیم‌خان به‌عبارت ذیل‌قرائت شد) .

بنده پیشنهاد میکنم ماده‌اینطور نوشته شود - برات راباسم او انتقال بنماید .

آقامیرزاابراهیم‌خان — چون‌باضافه یك کلمه انتقال مضمون ماده روشن‌تر میشود وبیان‌بطور بینی خواهد بود از این جهت بنده پیشنهاد کردم که‌نوشته شود برات را باسم او انتقال نماید .

رئیس — آقای مخبر این اصلاح را قبول دارید ؟

آقاشیخ‌ابراهیم — انتقال دادن برات معنی ندارد .

رئیس — پس‌رأی‌میگیریم‌آقایانیکه‌این‌اصلاح راقابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب‌قیام نکردند) قابل توجه نشد اصلاح‌آقای هشترودی‌خوانده‌میشود (بعبارت‌ذیل‌قرائت‌شد) .

برات گیرنده اولی میتواند همین‌برات را باسم دیگری درهمان ورقه برات‌نماید .

آقاشیخ‌اسمعیل‌هشترودی -چون‌آقای مخبر فرمودند که‌مثلا بنده که‌برات گرفتم‌از کسی‌و او مطلق نوشته است وتصریح‌نکرده‌است که‌من‌وجه را گرفتم یانه ودرثانی که‌آن برات رابنده‌میخواهم بدیگری حواله بدهم همچوفرمودند که‌ممکن نیست تاوجه‌را نگیرد حواله‌بدهد بنده‌میگویم که این‌همچو نیست‌ممکن است که‌وجه نگرفته حواله‌بدهم‌وتابحال هم همچونشده است فروش‌برات راکه میگویندنه‌این است که‌پول میگیردوآن‌برات‌را میدهد باو - فروش برات لفظی است که‌مصطلح‌شده است بین‌مردم والا بنده که‌از شخصی برات گرفته‌ام میدهم‌بشخص‌ثالثی که‌این‌پول‌را بگذردهمچو نیست که‌آن پولرا از او نمیگیرم شاید مقروض باشم یاشاید بوجه اعانه‌یاقربتاً الی‌الله‌بدهم مقصوداین است که اینطور ها خیلی‌است یعنی بنده که‌خودم‌بعضی اوقات مبتلا شده‌ام دیده ام که‌آن ثانی و ثالث هم یك طوری میشود که لازم نیست که‌وجه را بگیرند و این صحبتهائی هم که در این‌جا شدبنده‌آنهارامؤیدخودم‌میدانم‌وآن اظهاراتی راکه آقای وزیر عدلیه فرمودند آنهم از همین راه است وواقعاً برات فروش‌این‌طور نیست که هر کس برات داد پول را بگیرد بلکه واقعاً مناط اعتبار همان برات دهنده اولی است و باعتبار او برات دست بدست میگردد و شاید هیچیك از آنهاهم پول ندهند ولکن آن را بگیرد و بخرج میگذارد این است که فرمایش مخبر بنده را قانع نکرد و این پیشنهاد را کردم وتقاضایم این است که وجه آنرا از کس دیگر گرفته زائداست لازم نیست نوشته شود بلکه همین قدر نوشته شود که همان برات گیرنده اولی میتواند آن برات را بکسی دیگر بفروشد یا همانطور که بنده پیشنهاد کرده ام در ظهر هما ورقه بدیگری حواله بدهد وقتی که این مطلق شد مثل ماده اول میشود یعنی با ماده اول مطابقه پیدا میکند یك صورت دیگری هم هست که بنده برای مثال عرض میکنم مثلا اولی نوشته است که من وجه راگرفتم برات را دادم ولی دویمی ننوشته است که من وجه را از کدام شخص گرفتم و برات دادم این بطور مطلق نوشته است که این وجه را بحواله کرد منبعد وقتیکه‌برات برگشت آن لاحق بر میگردد و بسابق خودش که دویمی است میگوید برات برگشت پول مرا بده اینهم میگوید من که از تو پول نگرفته ام این است که میروند بمحاکمه ولی آن اولی یا دویمی هیچ محاکمه نمیخواهد چون نوشته است که پول را من گرفتم و برات دادم و اینهم قانونی نیست که‌وجه آن را از کس دیگر گرفته حواله بدهد همانقدر که برات میدهد کافی است در هر صورت برات بکند لفظ قانونی نیست .

رئیس -رأی میگیریم‌دراصلاح آقای‌هشترودی آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) قابل توجه نشد . اصلاحی هم آقا آقاشیخ‌علی پیشنهاد کرده‌اند‌خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که ماده دو چنین نوشته شود .

ماده ۲ - برات‌گیرنده اولی میتواند وجه آن را از کس دیگر گرفته همان برات را باسم اونماید

رئیس - لازم نیست که بعد از خواندن هر اصلاحی‌بنده اظهار کنم که مخبر قبول دارد یا نه بمجرد اینکه اصلاح خوانده شد مخبر اگر قبول دارد میتواند اظهار بکند .

آقاشیخ‌براهیم - این پیشنهاد عین همان ماده اینجا است که از کمیسیون پیشنهاد شده‌است

آقاشیخ‌علی شیرازی - در پیشنهاد بنده یك لفظ همانی نوشته شده است و در حقیقت این باصطلاح آن برات فروش است که در حاشیه برات کسیکه آن برات را دارد مینویسد که من این برات را منتقل کردم بفلان و باید در وجه فلان‌زید پرداخته شود و این عبارت ماده چنین میفهماند که آن کسیکه در ثانی برات را منتقل میکند میتواند برات را تغییر بدهد اما اگر یك لفظ همان نوشته شود معلوم میشود که مقصود از این عبارت برات دیگری نیست بلکه مقصود همان برات است و در حاشیه او باید بنویسد که من این برات را بفلان زید منتقل نمودم‌بجهت توضیح عبارت بنده این‌تقاضا را کردم .

رئیس - لکن این یك اصلاحی‌نیست که بشود درآن رأی گرفت - اصلاحی آقای آقاشیخ غلامحسین پیشنهاد کرده‌اند خوانده شود .

(بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده تقاضا میکنم که در ماده ۲ بعد از (هر لاحق بسابق) اضافه شود ویا اسبق خود رجوع نماید .

آقاشیخ‌غلامحسین - نظربنده همان‌نظری است که آقای وزیر عدلیه فرمودند چون هر کس که برات را میگیرد باعتبار همان برات کننده اولی است وممکن است همچنانکه آقای وزیر فرمودند یك وقتی تا یکی از برات کننده ها بی اعتبارشوند و آن شخص بتواند باو رجوع بکند باین جهت باید اجازه داده شود که حق داشته باشد رجوع باسبق او بکند .

رئیس -آقای وزیر عدلیه پیشنهادی کرده‌اند خوانده میشود .

(نیز بعبارت ذیل قرائت شد) درآخر ماده۲ اضافه شود .

(ولی اگر یکی از ایادی متوسطه غیر معتبر درآمد دارنده برات میتواند بسابق او رجوع کرده وجه خودرا دریافت کند .

آقاشیخ غلامحسین - چون پیشنهادوزیر بهتر است بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم .

رئیس- پس اول رأی میگیریم بماده‌راپورت کمیسیون‌بعد رأی میگیریم درماده راپورت بضمیمه پیشنهاد وزیر (ماده ۲ راپورت کمیسیون مجدداً خوانده شد)

رئیس — رأی میگیریم دراین ماده دو که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) رد شد .

حالا ماده دوخوانده میشود (باپیشنهاد وزیر بعبارت ذیل قرائت‌شد).

ماده ۲ — برات‌گیرنده اولی میتواند وجه آنرا از کس دیگر گرفته برات راباسم او نماید و دویمی بسیمی وهکذا هرچندنفر باشند دراینصورت تمامی برات کنندگان مدیون یکدیگرند باین معنی که درصورت پروتست برات هرلاحق بسابق خود رجوع کرده وجه خودرا دریافت میدارد تا برسد بحواله کننده اولی ولی‌اگریکی ازایادی متوسطغیر معتبر درآمددارنده برات میتواند بسابق او رجوع کرده وجه خودرا دریافت کند .

رئیس — آقایانیکه ماده ۲ را باینطوری که خوانده شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) باکثریت چهل وپنج‌رأی تصویب شد .

رئیس الوزراء — وزارت مالیه در امور وزارتی معلوم است که‌مهم وپرزحمت تراست ازسایر امورات و جناب ممتاز الدوله بواسطه نقاهت مزاج استعفا کردند این بودکه بوزارت تجارت وپست و تلگراف تبدیل شدند وقبول کردند بعد جناب‌معاون الدوله هم‌آن وزارتخانه راقبول کردند محض معرفی بحضور مجلس مقدس‌آمدیم که عرض کنم .

رئیس ـ ماده۳ خوانده میشود ـ بعبارت ذیل قرائت شد .

ماده۳ ـ هرگاه کسی که برات بعهده اواست بعد ازقبولی نوشتن ازاداء تمام یاقسمتی ازوجه آن امتناع کند دارنده برات آن را مطابق مواد آتیه به پروتست رسانده ومطالبه وجه آنرا مینماید .

حاج معین الرعایا ـ بنده باز تکرار میکنم عرض اولی خودم را که درشور اول عرض کردم و تأسف میخورم ازاینکه بواسطه وضع این چند ماده آن مواد سابقه بکلی لغو میشود و چند ماه دیگر باز محتاج خواهیم شد بگذراندن چندماده ازمجلس برای اصلاح این مواد برای آنکه مادراینجا نوشتیم که اگر سابق غیر معتبر شده میتواند برات دارنده باسبق خود رجوع کند درصورتیکه همچو چیزی ممکن نیست و در هیچ جا هم معمول نیست که با سبق خودش رجوع بکند .

رئیس ـ آن موضوع گذشت دراین ماده اگر نظریاتی دارید بفرمائید .

حاج معین الرعایا ـ دراین ماده هم مینویسد (هرگاه کسیکه برات بعهد اواست بعدازقبولی نوشتن اراداء تمام یاقسمتی ازوجه آن امتناع کند دارنده برات آنرا مطابق مواد آتیه به پروتست رسانیده ومطالبه وجه آن رامینماید) اینجا باید معین شود چرا وجه را نمیدهد باعتبار نمیدهد یا اینکه ورشکست میشود ودر صورت اول هم قبول نکرده است یااینکه برات طوری است که باید برگشت بکند یااینکه آن کسیکه وجه برات را باید بدهد باختیار نمیتواند بدهد اینجا همین قدرنوشته است که امتناع نماید اینطور نمیشود باید معین شود که علت این امتناع چه میشود برای اینکه یك دفعه این است که ورشکست میشود و نمیتواند بدهد و در اینصورت حکمش این است که نمی تواند یااین است که قبول کرده است ونمیدهد در آنصورت می بایستی به پروتست برساند ودر صورتیکه قبول نکرد از سابق خودش مطالبه میکند امادر صورتیکه قبول کردو هیچ ورشکسته هم نیست فقط دلش میخواهد که ندهد تصور نمیکنم که یك چنین اختیاری رابشود بدارنده برات داد بلکه باید نوشت قبولی نویسنده بعدار آنی که قبولی نوشت میبایست وجه برات رابدهد .

آقاشیخ ابراهیم ـ عرض کردم تمام اشکالاتی که تولید شده است ازاینجا شده است ونوشتن این مواد هم برای همان است وآن اینست که اگر قبولی نویسنده امتناع کند از دادن برات گیرنده چرا باید بیجهت یااو طرف بشود وبرود به محاکمه کند اوباید برود ازآن کسیکه باو پول داده است و برات گرفته است مطالبه بکند نه اینکه با قبولی نویسنده دعوا بکند سخت گیری میکند که حکماً توقبولی نوشته باید بدهی این شخصیست که در وسط است وقبولی نوشته است که اگر رفت بدهد وباعتبار اینکه میدهند قبول کرده است وقتی که نداد این برات دارند میرود میگوید آقا این برات را که شما دادید طرف شما نمیدهد پول مرا که گرفته اید خودت اگر طلب داری برو بگیر آنطوریکه در سابق نوشته شده بود که قبولی نویسنده همینکه قبولی نوشت برات دهنده اولی ازطرفیت خارج میشود این یك صدمه ویك ظلمیست نسبت به برات گیرنده ولی اینطور که نوشته شود که درهرحال برات دهنده مسئول وجه است که برات داده است مثل این است که پول در کیسه برات گیرند است برات را میبرد بطرف نشان میدهد همینکه قبول نکرد یاقبول کرد ونداد برمیگردد میگوید آقا پول مرابده برات خودت رابگیر

حاج وکیل الرعایا ـ چنانچه آقای مخبر توضیح دادند بعداز پروتست پول را چنانچه درماده ۲ ـ گذشت از گیرنده وجه میگرد واین خیلی ترتیب معتبر صحیحی است لکن اگر میخواهد باز برگردد وازآن قبولی نویسنده بخواهد بنده دراینجا چنین چیزی نمیبینم که بخواهد برگردد واگرهم بخواهد برگردد بنده بکلی مخالف هستم یافرمایشات آقای حاج معین الرعایا که میفرمایند قبولی نویسنده باید به اداء وجه برات ملزم باشد برای اینکه این است که برقبولی نویسنده یك تحکمی داشته باشد نمیتواند تجارت را اداره کند بجهت اینکه این بکلی قانون بین المللی را زیر وزبر میکند وهیچ نمیگذارد یك براتی در دنیا بگردد دنیا چنانچه وزیرهم اظهار داشتند منحصر بایران نیست اینکار تعلق به خانواده بشری دارد منحصر باینجا نباید باشد باید عمومی باشد یعنی اگرمابخواهیم در خانواده بشری زندگی کنیم ناچاریم قبول بکنیم همین است قبول بکنیم همین است والا هر قبولی نویسنده هیچ الزامی نمیشود کرد هرزحمتی هست برعهده برات کننده یعنی آن کسیکه برات را امضاء کرده است میباشد واگراین را قبول میکند چون ازفهم بنده بیرون است خوب است آقای مخبر تصریح بفرمایند که بعداز پروتست فوری تلگراف بکنند که برات شما تمام بافلان مبلغ ازپول او ترسیده وبایدفوراً به محض اینکه تلگراف رسید اگر شرف دارد پول اورا روی میزش بگذارد وبگوید این پول شما بردارید وبروید اگرشرف دارد

آقاشیخ ابراهیم ـ مواددیگری اگرملاحظه بفرمایند برای اینکار نوشته شده است در قانون سابق که کسی که برات رانکول کرد ٤٨ ساعت صبر میکند بعد باطاق تجارت میرود و پروتست میشود ولی این ماده وضع شده است ازبرای اینکه هرگاه قبول کرد ومعذالك امتناع کرد باز به پروتست برمیگردد زیاده براین را این ماده میگوید میگوید و اینهم مخالفتی باترتیب پروتست عدم قبول ندارد واما اینکه فوراً تلگراف بکنند این را که دیگر نمیتوان درماده قرارداد .

وزیرعدلیه ـ عقیده بنده این است که این ایرادی را که آقای حاج وکیل الرعایا کردند وارد نیست زیرا این عبارت مقصود رانمیرساند برای اینکه برات وقتی که پروتست شد باید بیك ترتیب معینی مطالبه شود یعنی باز به ترتیب رجوع هرلاحق بسابق تابرسد به برات دهنده اولی عقیده بنده این است که اگر درآخرش زیادشود که مطابق فلان مطالبه خودرا میماند بهتراست واین اشکال رفع خواهدشد .

رئیس ـ حالا گمان میکنم که آقایان مذاکرات راکافی بدانند (اغلب گفتند کافی است) اصلاحی آقای ارباب کیخسرو پیشنهاد کردند خوانده میشود ودرقابل توجه بودن آن رأی میگیریم بعبارت ذیل خوانده شد .

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۳ ـ اینطور نوشته شود :

هرگاه کسیکه برات بعهده اواست بعدازقبولی نوشتن از اداء وجه آن امتناع کند دارنده برات مطابق مواد ذیل آن رامورد اعتراض قرارداده مطابق ماده دو مطالبه وجه میشود .

ارباب کیخسرو ـ بنده لازم دانستم که در این ماده یك عبارتی نوشته شود که مقصود رابهتر برساند بجهت اینکه مینویسد «هرگاه کسی که برات بعهده او است بعد از قبولی نوشتن از اداء تمام یا قسمتی ازوجه آن امتناع نماید » در صورتیکه همچو چیزی نمیشود یعنی آن کسیکه قبولی نوشت یاباید تمام وجه رابپردازد ویاتمام رارد کند خصوصاً که درماده شش هم شرط شده است که قبول نباید متعلق بهیچ شرطی باشد ودرصورتیکه هیچ شرطی در موقع قبولی نمیشود نوشت معلوم است که قبولی نویسنده یاباید تمام وارد کند یاباید تمام را قبول بکند نمیشود که یك قسمتی را بپردازد ویك قسمت را ندهد دیگر اینکه دراینجا نوشته اند مطالبه وجه را مینماید وهیچ معنی نکرده اند که بچه ترتیب باید مطالبه بکند این است که بنده درپیشنهاد خودم رجوع کردم بماده دوو آن کلمه پروتست راهم تغییر دادم وپیشنهاد کردم که نوشته شود مورد اعتراض قرارمیدهد

آقاشیخ ابراهیم ـ اما تقسیم باین معنی که بعضی راقبول کردن وبعضی راقبول نکردن این درتمام قوانین است مانمی توانیم آنرالغو بکنیم از این جهت نوشته ایم آنچه ردمیشود پروتست میشود واین درتمام قوانین هست درقانون عثمانی هم که تصریح کرده اند قبول کنند میتوانند قسمتی ازآنرا بپردازد وقسمتی را ندهد اینکه اشکالی ندارد اما درباب اینکه قبول نباید معلق بشرط باشد این یك چیز دیگری است وراجع است باینکه ننویسند من قبول میکنم اگر پول رسید بدهم و از این قسم تضیقات درقبولی نوشته نشود بلکه یاباید بنویسد قبول کردم یاباید بنویسد قبول نمیکنم اما آنمطلب اولی در تمام قوانین این است او را منع نمیتوان کرد واینکه فرموده معین نشده است چرا تصریح شده است بخوانند مینویسند دارنده برات آن را مطابق مواد آتیه به پروتست رسانیده ومطالبه وجه آنرا مینماید چون درمواد آتیه معنی میکند که چطور مطالبه میکند درآنمحل یابمحل سابق رجوع میکند همه آنهارا مواد آتیه تصریح میکند .

رئیس ـ حالا این اصلاح را قبول دارید یا خیر .

آقاشیخ ابراهیم ـ آن قسمت آخرش عیبی ندارد .

ارباب کیخسرو ـ بنده هم قسمت اولش را پس میگیرم .

رئیس ـ پس رأی میگیریم باین ماده باین قسمتی که اصلاح شده است .

هرگاه کسی که برات بعهده اواست بعدازقبول نوشتن از اداء تمام یا قسمتی از وجه آن امتناع کند برات آنرا مطابق مواد آتیه مورد اعتراض قرار میدهد .

آقاشیخ ابراهیم ـ لفظ پروتست باید باشد (اعتراض) پروتست نیست پروتست خودش یك ترتیبی

دارد وبرای آن درمواد بعد یك ترتیبی قرار داده شده است اینرا نمیشود تغییر داد واگر حذف کنید تمام این قانون بهم میخورد .

رئیس ـ پس اینطور نوشته میشود .

دارنده برات آنرامطابق مواد آتیه به پروتست رسانیده مطابق ماده دو مطالبه وجه آنرا مینماید

آقایانی که بااین ماده باین ترتیبی که خوانده شد موافقند قیام نمایند (اغلب قیام کردند) باکثریت ٤٥ رأی تصویب شد . ماده ششم را کمیسیون در این راپورت آخری که داده است حذف کرده است ولی چون رأی بحذف نمیشود گرفت ماده ششم راپورت سابق کمیسیون خوانده میشود ورأی میگیریم وقتی که آقایان بآن رأی ندادند حذف میشود .

(ماده ٦ ـ راپورت سابق بعبارت ذیل قرائت شد)

شخصی که برات باوشده است هرگاه برات راقبولی نوشت قبولی خودرا نمیتواند تغییر بدهد

آقاشیخ ابراهیم ـ این دیگر واضح است همینکه ملزم است را ما الان رأی دادیم که ملزم نیست قهراً این ماده نسخ شده است .

رئیس ـ رأی میگیریم آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند رد شد) عبارت نباید قبول معلق بشرط باشد در کمیسیون پیشنهاد کرده است که اضافه شود بماده هفتم سابق ماده هفتم باالحاق این ملحه خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۷ ـ شخصی که باو حواله شده است میتواند قسمتی ازمبلغ حواله شده راقبولی بنویسد در اینصورت بقیه وجه برات را دارنده برات میتواند پروتست نماید قبول نباید معلق بشرط باشد .

آقاشیخ ابراهیم ـ این عبارت اگر باینطور الحاق شود شاید اشکالی پیدا شود که این راجع باین ماده است ودرصورتیکه اینطور نیست پس بهتر این است که نوشته شود قبول هیچوقت نباید معلق بشرط باشد .

هشترودی ـ میخواستم عرض کنم که خوبست اینرا یك ماده علیحدهٔ بکنند .

آقا شیخ ابراهیم ـ ممکن است ماده ششم بشود یا بآخر ماده هفتم الحاق شود چندان اهمیتی ندارد

رئیس ـ کدامش بشود ماده ششم یابآخر ماده هفتم الحاق بشود .

آقاشیخ ابراهیم ـ فرق نداردهمان بآخر ماده هفتم الحاق بشود .

رئیس ـ پس ماده هفتم مجدداً قرائت میشود .

(خوانده شد) بالحاق جمله درقبول هیچوقت نباید معلق بشرط باشد بآخر آن

رئیس ـ آقایانی که این ماده راتصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

باکثریت ٥٢ رأی تصویب شد ده دقیقه تنفس میشود .

(بعد از تنفس مجدداً یکساعت قبل از غروب تشکیل گردید) .

رئیس ـ درراپورت سابق کمیسیون عدلیه یك ماده الحاقیه پیشنهاد کرده بودند حالا باید درآنماده رأی گرفت یااینکه مسترد میدارند .

آقاشیخ ابراهیم مخبر کمیسیون ـ آنماده رالازم ندانستند آقای وزیرعدلیه هم فرمودند که لازم نیست .

رئیس ـ پس مذاکره درکلیات است مخالفی هست؟ (مخالفی نبود) پس رأی میگیریم بکلیه این قانون قبول ونکول بروات به ترتیبی که قرائت شدو در موادش رأی دادید آقایانی که موافقند قیام نمایند (باکثریت ٤٩ رأی تصویب شد) .

راپورت کمیسیون بودجه راجع بحقوق یوسف مجاهد که وزیر پیشنهاد کرده بود ماهی چهارتومان بوراث او بدهند کمیسیون بودجه ماهی سه تومان تصویب کرده است راپورت او هم طبع و توزیع شده نمایندگان ملاحظه فرموده اند مخالفی در این باب نیست ؟

ادیب التجار ـ در کلیه توضیحا عرض میکنم این یوسف مجاهد روز ورود مجاهدین به قزوین .

رئیس ـ آقاشما مخالف هستید؟

ادیب التجار ـ خیر موافقم میخواهم توضیح عرض کنم و ماهی سه تومان راکم میدانم همان چهار تومان که وزیر معین کرده بود بنده پیشنهاد میکنم .

رئیس ـ پیشنهاد کرده اید ؟

ادیب التجار ـ الان پیشنهاد میکنم اجازه میفرمائید اول توضیحش راعرض کنم .

رئیس ـ لازم توضیح نیست .

آقا شیخ علی شیرازی ـ بنده عرض میکنم که نظائر این مکرر بمجلس آمده ومیآید و عیبی دارد این است که لفظ ورثه یکقدری اجمال دارد بواسطه اینکه ورثه یعنی پسرو دختر و زن و پدر ومادر وطریق قسمت هر کس ازاین عبارت معلوم نیست که آیا همانطوری است که در شرع کما فرض الله مقرر شده است که برای پسردو قسمت باشد ودختر یك قسمت وپدر ومادر هم شش یك میبرند یا اینکه طوردیگر این مجمل است خوب است که معین شود اگر معین نشود آنوقت فردا دچار اشکال میشویم .

ناصر الاسلام ـ این پیشنهاد کمیسیون را اگر مخبر کمیسیون توضیح میداد که ازچه مدرك است ممکن بود موافق باشم زیرا وزیرماهی چهار تومان تصویب کرده بود ولابد تحقیقات کرده بوده است یعنی استحقاق کامله داشته است که این ماهی چهار تومان را بوارثین او تصویب کرده است که داده شود ونظر نمایندگان محترم هم همه وقت بر این بوده است که اشخاصیکه در راه ملت فداکاری کرده اند مورد رعایت واقع شوند بنده عقیده ام این است که بهمان چهار تومان که از طرف وزیر پیشنهاد شده است رأی گرفته شود بجهت اینکه این پیشنهاد کمیسیون بنای صحیحی ندارد یعنی گمان میکنم که این پیشنهاد کاملا رعایت نشده است وهمان پیشنهاد وزیر بهتراست .

رئیس ـ پیش از این مذاکره نمیکنم آقای مخبر توضیح بدهند آنوقت رأی میگیریم

حاج عز الممالك مخبر کمیسیون ـ توضیح ورثه را که آقای آقاشیخعلی خواستند مقصود کمیسیون همان ورثه قانونی است که درقانون متوفیات ذکر شده است وراجع بفرمایش آقای ناصر الاسلام هم کمیسیون عقیده اش این بود که این زیاد است و نمیشود بپیشنهاد وزیر رأی داد حالا دیگر بسته بنظر اکثریت مجلس است .

رئیس ـ در پیشنهاد آقای ادیب التجار نمیتوانیم رأی بگیریم برای اینکه پیشنهاد ایشان عین پیشنهاد وزیر است و اگر بنابود که یکی از نمایندگان موادی را که یکی از وزراء پیشنهاد میکند اختیار بکنند آنوقت حق تقدمی که کمیسیون نسبت بلایحه وزراء دارد سلب میشود این وقتی میشود که وزراء موادی راپیشنهاد کرده اند مسترد بدارند آن وقت یکی از نمایندگان آن پیشنهاد را قبول کند واول درراپورت کمیسیون رأی گرفته میشود بعداگر پیشنهاد کمیسیون تصویب نشد درآن پیشنهاد رأی گرفته میشود حالا رأی میگیریم براپورت کمیسیون آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخت وآقایانیکه ردمیکنند ورقه آبی (دراین موقع شروع باخذ آراء گردید حاج میرزا رضاخان بترتیب ذیل شماره نمود ورقه سفید علامت قبول ٣٤ ورقه آبی علامت رد ٢٠)

رئیس ـ این بلا تکلیف ماند (اسامی تصویب کنندگان)

آقا میرزارضاخان نائینی ـ حاج سیدابراهیم علی زاده ـ دهخوارقانی ـ آقا شیخ غلامحسین نیرالسلطان ـ آقا سیدمحمدباقرادیب ـ معاضد الملك ـ فهیم الملك ـ حاج عزالممالك ـ ضیاء الممالك ـ معززالملك ـ محمد هاشم میرزا ـ نجم آبادی ـ فرزانه ـ آقامیرزا مرتضی قلیخان آقا میرزا رضا مستوفی ـ ابوالقاسم میرزا ـ آقا سید حسین اردبیلی ـ آقا سید حسین کزازی ـ لسان الحکماء ـ آقاسید محمد رضا ـ منتصر السلطان ـ آقا میرزا احمد ـ آقا سید جلیل آقا میرزا داودخان ـ دکتر علیخان ـ متین السلطنه ـ شیبانی ـ صدر العلماء ـ سلیمان میرزا ـ حاج سید نصرالله ـ ذکاء الملك ـ آقا میرزا ابراهیم خان

(اسامی اشخاصیکه رد کردند)

آقا میرزا علی اصفهانی ـ حاج میرزا رضا خان ـ آقا میرزا ابراهیم قمی ـ حاج مصدق الممالك ـ دکتر اسمعیل خان ـ ادیب التجار معین الرعایا ـ طباطبائی ـ دکتر حیدرمیرزا ـ میرزا قاسم خان ـ معتمدالتجار ـ انتظام الحکماء اعتصام الملك ـ ناصر الاسلام ـ وکیل الرعایا ارباب کیخسرو ـ افتخار الواعظین ـ سعید الاطباء ـ حاج محمد کریم خان ـ آقاشیخ علی شیرازی .

رئیس ـ راپورت کمیسیون قوانین مالیه

راجع بمتوفیات که حقوق وراث آنها از دو تومان کمتر است شور اول این قانون درپنجم همین ماه گذشت حالا باید رأی بگیریم که داخل در شوردوم این قانون بشویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام‌نمایند (باکثریت تصویب شد ـ ماده اول بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده یك — حقوق سهمی هریك از وراث که‌نقداً جنساً ازدوتومان تجاوز نکند وزارت مالیه از طرف دولت ٥ برابر مبلغ آنرا نقداً بدون کم و کسر بوراث داده و آن حقوق را ابدی ضبط می‌نماید .

حاج شیخعلی ـ اگرچه بنظر بعضی‌از آقایان‌این قانون دو تومان است و پنج مقابل او ده تومان خواهد شد اما بنده این را اینطور تصور میکنم این قانون راجع خواهد شد بیك رمانیکه سی سال یا چهل سال باشد و همچنین بروجهیکه شاید بیك کرور برسد آنوقت در مقابل آن دولت باید پنج کرور بدهد اگرچه یقین دارم که آقایان با بنده مخالفند اما بنده مجبورم که بعضی از عرایض خودم را بکنم چنانچه در شور اول هم عرضکردم که‌این حقوق یك تومان و دو تومان حقوقی نیست که کسی در صدد او برآید وقبض‌اورا صادر کند چون‌سابق بوده است راجع بمتوفیات نخواهد بود و امااین حقوقات یك تومان یا دوتومان فایده اش بدو نوع از اشخاص بوده است یك قسمت اشخاصیکه مالیات بده بودند در عوض مالیات این یك تومان یا دو تومان را محسوب میداشتند یك قسمت دیگر آن اشخاصی بودند که مالیاتی نمیدادند فایده آن راجع به حاکم یا مالکین صاحب نفوذ آن شهر بوده‌است که این‌گونه حقوقات را جمع میکردند و در عوض مالیات خودشان محسوب میداشتند خیلی از اشخاص که یك تومان و دوتومان حقوق داشتند بنده دیده‌ام که درصدد قبض صادر کردن آن بر نمیآیند‌بواسطه اینکه دو روز یا سه روز باید از شغل خودشان بیکار شوند تا اینکه قبض آنرا یا حواله آن را صادر کنند اگر بعضی از آقایان این حقوقات را مشروع میدانند بند مشروع نمیدانم بخصوص این یکتومان و دوتومان را واینکه میفرمایند که مال ضعفاء است خیر همچوچیزی‌نیست مثل اینکه‌بگوئیم آنکس که چهارمثقال تریاك میکشد باید جلوگیری کرد وآن کسیکه چهارنخود میکشد نبایدجلوگیری کرد این ها یك عاداتی است که در سابق بوده است یك تومان بوده است خوب‌است صد تومان‌بوده است خوب است همه در یك عرضند کم بودن‌حقوق دلیل بر ضعفاء نمیشود بسا اشخاصی هستند که خیلی هم غنی هستند و این دو تومان را میگیرند حقوق کم چه دخلی بضعفاء دارد لهذا بنده پیشنهاد می خواهم بکنم که ضبط شود بدون اینکه چیزی در ازاء آن داده شود این که آقایان پیشنهاد کرده‌اند که پنج مقابل بدهند خیلی غلط است از دو جهت قانونی‌یکی اینکه در نظامنامه داخلی‌یك ماده‌داریم که نباید آن فصلی‌را که بودجه بر آن تعلق‌میگیرد از پیشنهاد وزیر اضافه شود وزیر سه برابر پیشنهاد کرده بود آقایان اسمش را گذاشتند به ضعفاء و پنج مقابل تصویب کرده اند و دیگر اسمش را گذاشتند ابدی این حقوق ابدی نیست گویا قانون متوفیات از نظر آقایان رفته است این پانزده سال است و ابدی نیست دو تومان تا پانزده سال که‌بورثه میرسد سی تومان خواهد شد و طلبکار میشود از دولت هفت سال ونیم وهفت سال ونیم‌بقاعده تجارت نزول کم کنیم وتومانی صددینار سی تومان رانز ل کم کنیم پنج شش تومان‌میشود برای چه‌ده‌تومان بدهند اگرما بخواهیم‌تصویب کنیم‌برای‌اینکه حقوق که کم‌است‌مال ضعفااست اماخیر اینطور نیست که‌میفرمایند و بدان ماند که بگوئیم اگر شیری حمله نماید‌باید جلوگیری کرده چون قوی است و اما اگر مار یا عقرب باشد نبایدجلوگیری شود ضعیف هستند‌لهذا بنده پیشنهاد کرده ام که اینها باید ضبط بشوند و درهمان هفت سال ونیم موعد اگر تومانی صددینار نزول کم کند اگر شش تومان باقی بماند وچرا‌باید پنج مقابل که ده تومان میشود داد .

رئیس — خاطر نماینده محترم را متوجه میکنم که‌آن‌مطلبی که گفتند‌راجع‌به‌قانون بودجه است هیچ ربطی باین قانون واین‌ماده ندارد .

حاج وکیل‌الرعایا — عرض‌میشود دراین جا اظهار شد که‌شاید این یك کرور بشود مخارجی که دارد دولت در این مملکت یکی‌را جع به‌مقرری است در عوض کار و خدمت یکی راجع بوظایف است این ترتیب راجع‌بآن‌قسمتی است‌که دروظایف است وظیفه را هیچ نمی پرسند که توجه‌کار میکنی همین قدر یك‌مستندی از سابق بدست آورده‌است وبآن سمت یك چیزی‌مطالبه میکنند و اینها بعداز مردن‌آن‌صاحب‌مطالبه‌دولت‌مجبورمیشد که یك‌فرمانی بدهد بموجب‌آن قانون باشخاصی که‌نصف آن‌حقوق را بگیرند اگرده تومان بود و باین پنج نفرتقسیم میشد آنوقت برای چند نفر یك فرمان مینویسندو اسامی آنها را آنجا بگنجانند و از برای هر یك از آنها یك تومان پانزده هزار هرچه آن قانون حق بد معین کنند‌که در وقت مطالبه بگیرند این ترتیب برای وزارت مالیه یك زحمتی بوده است خواسته است این زحمت را از خودش دور کند خواسته است با اجازه مجلس یك حقی پیدا بکند که اگر توانست از آن اشخاص این حقوق جزئی را بخرد برای دولت و آن ابدی بودنش راجع بخریداری است‌هرچه زمانش بیشتر آن نفع ماست و اما اینکه سه برابر یا پنج برابر چرا یکی از اشخاصی که عقیده اش این است‌که پنج برابر زیاد نیست بنده هستم برای‌اینکه بنده میدانم اینهاخیلی کمند بعلاوه وقتی که‌آن‌اشخاص در سال فوت‌میشوند عده آنها هر قدر باشد آن چیزی که کم او میماند یك مبلغ زیادی هم همراه خودشان دارند بجهت اینکه فقط آن اشخاصی کم دارند میمیرند ممکن است‌که آن اشخاصی‌هم‌که وظیفه زیاد دارند نمیرند پس اینکه دروزارت مالیه جمع میشود یك عایدی است وآن چیزی راکه این قانون متوجه است آن اشخاصی است‌که کوچکند ووظیفه کوچك دارنداین را لایق نمیدانند که‌فرمان تازه‌صادر کنند وبنویسند یك اجازه خواسته‌است‌از مجلس‌که اینها را بتواند خریداری کند و از دفاتر دولت بیرون بیاورد و خیلی سهولت میدهد بکار و اگر در پنج برابرش کسی عقیده داشته باشد که زیاد است البته رأی خودش راعوض میکند وبنده از اشخاصی هستم که آنرا زیادنمیدانم وهیچوقت هم‌اگر ملاحظه‌بفرمائید ممکن نیست‌که درسال یك‌مبلغی بشود که بیشتراز پنج ششهزار تومان بشود خریداریش اسامیکه در دفتر مالیات هست راجع بوظایف یك مبلغ خیلی خیلی عمده نیست واینرا بنده زیاد نمیدانم وگمان میکنم که نباید این مقداررا ازآنها مضایقه کرد و شاید هم‌توی آنها خیلی اشخاص اهل استحقاق باشد اینطور نیست که همه او راجع باشد باشخاص که عوض مالیات محسوب دارند بلی شاید چنین هم باشد که‌فرمودند که شاید‌بعضی‌اشخاصی هم‌یك‌ملك کوچکی دارند واین‌را هم برای یك‌تخفیفی بدست آورده‌اند لکن خیلی کم است نسبت بآنهای دیگر .

حاج سید ابراهیم — اولا دو کلمه اینجا افتاده است یکی کلمه سال دیگر اینکه این وراث یعنی‌ازرمان وضع‌این قانون به‌بعد درپیشنهادوزارت بود درصورتیکه‌حقوق ارثی آنها ازدوتومان تجاوز نکند ودراین راپورت اعم است از زمان وضع این قانون وشامل میشود ورائی که از زمان وضع قانون متوفیات است واگر اینطور اولی‌باشد وزیر مالیه پیشنهاد کرده بود که سه‌برابر بدهند ویك‌برآوردی کرده بود که میدانست بچه اندازه میتواند از عهده بیرون بیاید وحالا یك‌اندازه زیاد کرده ایم ونظر وزیر مالیه هم مجدداً معلوم نشده است بنده گمان میکنم که همان سه‌برابر منظور شود بجهت این که ترتیبی که در گرفتن حقوق مردم منظور بوده است اگر یك تومان‌نقد به‌آنها بدهند خیلی‌ممنون هستند وخوشنود خواهند بود ودرصورتیکه همان دوتومان به‌آنها داده شود اغلب آنها راضی هستند خصوص بااین زحمت بسیاری که تحصیل حقو میکنند و میگویند کاش‌که این همه گرفتار زحمت نباشیم حالا پنج برابر حتماً بآنها داده شود لزوم ندارد عقیده بنده این است که اطلاع بوزیر مالیه داده شود تا نظر ایشانهم معلوم شود والا مابیائیم بگوئیم که سه‌برابر کم است وباید پنج برابر بشود این صحیح نیست یااین‌طور بکنیم که‌وزارت مالیه مجبور نباشد وبگوئیم اگر میل داشتند بفروشند وراضی شدند آن‌وقت وزارت مالیه مجازاست که‌بخرد شاید پنجاه هزارتومان ازاین قبیل پیدا بشود وزارت مالیه هم که‌پول ندارد باید پنج برابر هم بدهد و قانون هم می گوید حتماً باید این کار را بکند این ترتیب مجبوریت آوراست واین‌مجبوریت اسباب‌زحمت می شود پس‌اگر این پنج‌برابر تصویب میشود بایداورا مجاز کرد نه‌اینکه حتمی کرد ازخریدن آن .

فهیم الملك — بعضی اظهارات اغراق آمیز میشود دراین خصوص مثل اینکه‌آقای حاجی شیخ علی رسانیدند این را بعداز چند سال بچندین کرور وحال آنکه نمیشود چنین چیزی یك‌میزانی‌ما معین کردیم‌از برای‌پرداخت‌وظایف متوفیات که‌قانون اوچندی نیست از مجلس گذشته است از دو هزار تومان ببالا کلیه ضبط میشود ازدو هزار تومان هم ششصد وچهل ویك تومان داده میشود وکلیه‌حقوقی هم‌که بعنوان مواجب بر قرار است در حق اشخاص چه‌قشونی وچه غیرقشونی‌تفاوت نمیکند ازپنج کرور

تجاوز نمیکند که‌به نسبت ٦٤١ تومان از دو هزار تومان که حساب کنند قریب به هفتصد هزار تومان ازکلیه این پنج کرور بعداز فوت ارباب‌حقوق‌بورثه داده میشود حالا اینهم یك‌مقدارزیادی است که‌راجع بورثه خواهد بودو بیش‌از دو تومان خواهد بوداز صدوپنجاه تومان کمتر یا بیشتر و یك مقدار خیلی جزئی اوخواهدشد حقوق سه‌تومانی دوتومانی یاپنج تومانی وقتی که‌میزان کل‌آنرا پنج برابر هم‌حساب کنیم‌شایدازصد هزار تومان تجاوز نکند وصد هزار تومان هم‌در عرض چندین سال متدرجاً داده میشود ورفته رفته‌از آنها کسر میشود این هیچوقت چندین کرور نخواهد شد که‌ما الان دراین خصوص واهمه داشته باشیم واین مسلم است که‌یك عده کثیری از این‌اشخاص هستند که راضی هستند از این زحمت و زحمت صدور فرمان‌وغیره آسوده باشند که‌این مبلغ نقداً بانها داده‌شود حالا یك‌عده‌باشند که‌اهمیت‌بدهند یااینکه سالی هفت قران یك‌تومان دوتومان‌فرضاً در دیوان ماواجب داشته باشیم وبخواهد که اسم اودر دفتر دولت باشد ولی میدانید اینها خیالات موهومی است‌بجهت اینکه اگرامروز ده‌تومان باوبدهند برود پی‌کار کاسبی بهتر ازاین‌است که تمام عمر خودش‌را صرف کند که‌برود برات صادر کند و آنوقت هم تومان دوهزار دربازار بفروشد واینکه فرمودنداین مدتش پانزده سال است‌چراابدی نوشته‌اند این‌برای ضبط است‌اگر می‌نوشتیم که‌پانزده سال‌ضبط خواهد شدمعلوم میشد که بعداز پانزده سال باید داده شود واین راهم که‌حاج سید ابراهیم میفرمایند این معلوم است که‌سالیانه است کلیه ما حقوقی راکه میدهیم یك شعبه بودجه‌داریم یك‌شعبه‌مالیه‌داریم واینکه‌میگویند شعبه مالیه است وسالیانه است‌مادام‌العمر از دو تومان تجاوز نکند محسوب نخواهد کرد و اینکه راجع فرمودید بنظر وزیر مالیه که‌عقیده وزارت هم معین بشود بله‌وزیر مالیه سابق عقیداش سه‌برابر بود بعد ازاینکه رجوع شد‌به کمیسیون خودشان هم حاضر شدند وهمراه بودند که این میزان دو تومان را پنج برابر بدهند وبقیه آنرا چهار برابر معین کرده‌اند اینهم تاحدمعین تابعدچه حاصل شود بعدشاید عقیده دیگری داشته باشد این‌هیچ منافاتی ندارد با آنچه که‌در شور اول مذاکره‌شدوگمان میکنم که‌راپورت رانباید بدون مذاکره رأی‌داد .

حاج‌شیخ‌اسدالله ـ فقط بنده‌میخواستم این نکته‌را عرض کنم که بعضی از این ارباب حقوق در مرکز هستند و بعضی در خارج از مرکز یعنی ولایات بسا میشود که اسباب زحمت برای ارباب حقوقی که در خارج هستند میشود برای اینکه معین نکرده است که این وجه را از طرف دولت بایستی‌بتوسط پیشکاران مالیه‌ولایات بآنهابرسد یااین که بیایند در مرکز بگیرند اگر باین ترتیب‌باشد که‌بیایند درمرکز بگیرند‌برای‌هشت تومان‌یا ده‌تومان ازپنج‌منزل یاده منزل‌بیایند‌بمرکز بگیرند باید یك‌مبلغ کلی‌خرج‌بکنند برای گرفتن‌این ده تومان این‌اشخاص‌بکلی قطع‌نظرمیکنند و چشم میپوشند بنده مطابق همین مطلب پیشنهاد کرده و داده‌ام خدمت حضرت رئیس که‌قرائت شود که باید دولت درمرکز ولایات ازطرف خودش آن وجه‌را بآنها برساند که‌اسباب زحمت آنهافراهم نیاید‌بعداز آنکه این‌وجه‌بآنهارسید حقوق آنها ضبط‌میشود .

فهیم‌الملك — بنده‌تصورمیکنم اگراینجا هم‌بنویسیم که‌درمرکزوولایات‌بالطبع‌این‌رایادرمرکز یادر ولایات خواهیم داد وجای دیگر نخواهند داد امروز این کسیکه دارای‌حقوق دوتومان‌است‌از کجا میگیرد ازهمان جائی که‌وزیر مالیه معین کرده‌است وقتیکه‌وزارت مالیه‌مجبورشد که‌فلانقدر بدهدهرطور باشد باوخواهندداد واوهم خواهدگرفت بهتر همین است که‌نوشته شده است که‌اختیار با مالیه‌و صاحبان حقوق‌باشد واگرغیرازاین باشدفرض بفرمائید کما بنویسیم درمحل فرضاً‌یك‌کسی یك حقوق دارد در خراسان‌واو اینجانیست که‌درمرکز باوبدهند وزارت مالیه حاضر است ومادست اورا و دست وزیر راکه نمیبندیم هم او خواهد گرفت و هم وزارت مالیه خواهدداد .

رئیس — گویا مذاکرات کافی است سه فقره پیشنهادشده است قرائت میشود ورأی‌میگیریم (پیشنهاد آقای حاج شیخعلی بعبارت ذیل قرائت شد .)

بنده پیشنهاد میکنم که حقوق سهمی وراث متوفیات که‌کمتر از دوتومان است ضبط دولت‌شود

رئیسـ رأی میگیریم باین اصلاح آقایانیکه قابل‌توجه میدانند قیام نمایند (قابل توجه نشد) .

(پیشنهاد آقای آقامحمد بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده درمادهٔ اول ورثه صاحبان حقوق پیشنهاد میکنم — که بعداز لفظ تجاوز نکند نوشته شود در صورتیکه ده سال زیادتر ازفوت مورث آن‌ها نگذشته باشد وزارت مالیه الی آخر وبجای‌بدون کم وکسر‌بوراث داده نوشته شود بدون کم‌و کسر بصاحب آن داده الی آخر ماده .

آقامحمد بروجردی — فقره اول چون اجباری است آن را مسترد میدارم فقره ثانی را این لفظ بوراث داده میشود که نوشته اند ممکن است که همه وراث حصه‌شان دوتومان نباشد مثلا یك دختری است حقوقش ازدوتومان کمتراست‌باید نوشته شودحقوق کمتراز دوتومان رامیدهند‌بصاحب آن حقوق .

فهیم الملك — گویا قسمت اول ماده مطلب راخوب واضح میکند سهمی وراث که کمتر از دو تومان باشد وبعد پنج برابر را بآن وراث خواهند داد هیچوقت ازاین ماده فهمیده نمیشود که بسایرین داده شود .

رئیسـ قسمت ثانی این پیشنهاد دو مرتبه خوانده میشود رأی میگیریم .

(و بجای بدون کم و کسر بوراث داده) نوشته شود (بدون کم وکسر بصاحب آن داده) الی آخر .

رئیسـ رأی میگیریم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد) (پیشنهادی‌ازطرف حاج شیخ اسدالله بعبارت‌ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که اصلاح عبارتی باین نحو شود— درماده اول نوشته شود که وزارت مالیه درمرکز وولایات ازطرف دولت پنج برابر الی آخرماده .

رئیسـ آقایانیکه این اصلاح راقابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد) (پیشنهاد حاج سید ابراهیم بعبارت ذیل قرائت شد).

چون غالب حقوق ماهیانه تصویب میشود بنده پیشنهاد میکنم که لفظ (در سال) بعداز لفظ نقداً جنساً زیاد شود .

مخبر — ضرر ندارد این لفظ را اضافه بفرمائید .

رئیس — بااین اصلاح خوانده میشودورأی میگیریم (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماد ۱ـ حقوق سهمی هریك از وراث که نقداً جنساً درسال از دوتومان تجاوز نکندوزارت مالیه ازطرف دولت پنج برابر مبلغ آن را بدون کم و کسر بوراث داده و آن حقوق را ابدی ضبط مینماید .

رئیس ـ آقایانیکه‌بااین‌ماده‌موافقند بطوریکه قرائت شد قیام نمایند .

باکثریت ٤٠ رأی تصویب شد) .

ماده دو بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده دویم ـ در صورتیکه حقوق سهمی‌وراث از دو تومان تجاوز کند هریك از ورثه تقاضانماید که با او نیز همین معامله بعمل آید وزارت مالیه مجاز است که تقاضای او را پذیرفته و سهمی آن وراث را در صورتیکه متجاوز از بیست‌تومان‌نباشد تا دو تومان آنرا پنج برابر واضافه دو تومان را چهار برابر باو داده وآن مبلغ را ابدی‌ضبط‌نماید

بهجت ـ ازدو تومان یا کمتر از آن ماده گذشت وبنده اجازه خواسته بودم ونوبت‌بمن‌نرسید حالا در این ماده فلسفه اینکه میگوید دو تومان پنج مقابل بدهند اینست که دو تومان باشد وشرط میکند که بیشتر نباشد والا هرچه را بخواهیم تقسیم کنیم در صد تومان و هزار تومان هم دو تومان فرض میشود در بیست تومان دو تومانش را بشکل ماده اول عمل بکنند ومابقی را بچهار مقابل این هیچ صحیح نیست بواسطه اینکه این بیست تومان است دو تومان وهیجده تومان نیست ویکی دیگر اینکه ما وقتیکه قانونی وضع میکنید باید ملاحظه جریانش را بکنیم وممکن است همین طوریکه‌مااین قانون‌را میگذرانیم‌وزیر هم‌ختم بکنیم این حقوقات را آنوقت همین شکل پیدا میشود این فهرستهای دست مردم خوبست وقتیکه قانون را میخواهیم‌وضع بکنیم ملاحظه جریانش را هم بکنیم ملاحظه‌مالیه آنرا هم بکنیم وقتیکه ۲۰ تومان را چهار مقابل خواسته باشیم بدهیم با این نسبتیکه ملاحظه شد ازدو تومان ببالا بنده عقیده ام اینست که غالب‌حقوق از همین قبیل است یعنی خیلی میشود آنوقت گمان نمیکنم مالیه ما بتواند ادا کند این را عقیده بنده اینست که خیلی زیاد اگر بخواهیم و نقد نخواسته باشیم بدهیم نهایت دو مقابل بدهیم هیچ بیشتر نمیتوانیم بدهیم و عقیده بنده هم این است‌که غالب ارباب حقوق هم راضی باشند باین مسئله که بیست تومان حقوق‌را چهل تومان پول نقدبدهند ونگویند که امروز برو فردا بیا یعنی دولت اعتبار خودش را نبرد ومردم‌در زحمت نباشند واگرهم نمیخواهیم این‌کار را بکنیم بگوئیم برضای آن صاحب‌حقوق یعنی هر طوریکه وزارت مالیه برضای آن صاحب حقوق توانست ختم بکند در صورتیکه ازدومقابل

بالا نرود برضای او قطع بکند آنوقت هم اگر این طور شد یعنی بتراضی طرفین شد اسباب‌زحمت هم نمیشود ممکن است که درکلیه حقوق همین حق واجازه را بدهیم بوزارت مالیه‌که هر کس که‌خواست این پول را بگیرد بطور اقساط یا بطور نقد ودر ظرف یکسال بپردازد بطوریکه د لت کم کم از این گرفتاری خلاص شود ودر غیر از مقابل خدمت دیگر چیزی نداده باشد و کسی چیزی نبرد .

فهیم الملك - اولا باید توجه بفرمائید که این مسئله راجع بحقوق کلیه ارباب حقوق نیست راجع بآن سهامی است که بوراث متوفیات میرسد در یك‌سال یك‌مبلغ خطیری نخواهدشد فقط در قسمتی است که از سهمی یك متوفائی بورثهٔاو میرسد و اینکه میفرمائید دو تومانرا که پنج برابر گفتم از دوتومان ببالا دو برابر بشود از برای‌دو تومان ببالا یك حد اخیری معین شده‌است‌که بیست تومان است مابین بیست‌تومان و دو تومان چندین دفعه دیگر است که اول۲۱ قرانست یعنی یکی دو تومان داردیکی بیست ویك قران دارد وهمینطور تا بیست‌تومان چطور انصاف میدهید که‌یك کسیکه دوتومان دارد ده‌تومان بگیرد یکی که ۲۱ قران دارد چهار تومانش بدهند هیچ انصاف نیست این مسئله‌را تشریف نداشتند از ابتدای افتتاح مجلس که ضمیمه قانون وظایف اینجا تصویب شد برای همین مسئله بود که از روی قانون متوفیات سابق حقوق را از پانصد تومان بپائین دویست و پنجاه تومان میدادند مابقیرا به تصویب مجلس واگذار میکردند اغلب دیده میشد اشخاصیکه پانصد و پنج تومان حق داشتند صد تومان‌هم بآنها نمیرسد این صحیح نبود که کسیکه پانصد تومان داشت دویست و پنجاه تومان باو بدهند همین قدر که یك تومان اضافه شد صدتومان باو بدهند لهذا قانونی‌وضع‌شد که پانصد اول نصف دویم‌را ثلث سیم را ربع و همینطور حالاهم اگر در این‌مورد بایدتقسیمی‌شود این ترتیب باید مراعات شود نباید آنکه دو تومان حقوق دارد ده‌تومان باو بدهند یا آنکه ۲۵قران دارد چهارتومان وکسری بدهند مردم این‌را باید استفاده کنند هر کس دوتومان دارد پنج‌برابر گفته شد بدهند اضافه اگر شد میبایست باندازه همان شخصیکه این دوتومانرا دارد با او رفتار بکنندو اضافه از آنرا یك قراری بگذارند حالا شاید از بیست‌تومان ببالاراهم یك قراری بگذارند اگر بنا بود امروز یك ترتیبی برای این قبیل حقوق پیش میآمد بنده عقیده‌ام این بود که تصویب‌میشد که‌کلیه حقوق را پنج برابر بدهند که هم دولت‌خلاص‌شود هم آنها آسوده شوند و این اندازه مذاکرات در آن نمیشد نهایت حالا چون اینجا منحصر است به متوفیات دیگر نمیتوانیم داخل این مذاکرات‌بشویم اگر بخواهیم یك جزئی از دو تومان ببالا تفاوت بگذاریم بین ارباب حقوق از پنج برابر از روی انصاف صحیح نیست .

حاجی‌سیدابراهیم — عرض کنم در اینجا صورتیکه وزیر مالیه فرستاده است دست ماست این پیشنهاد کرده است سه برابر درآن مطلب اولی که پنج برابر شد و حالا باز یك چیزی علاوه میکنیم بر آن و میگوئیم تا بیست تومان چهار برابر دو تومانرا پنج برابر این‌هم با آن چیزی که وزیر مالیه پیشنهاد کرده بودمخالف است و هم دراعتبار و جریانش مخالف است بجهت اینکه وزارت مالیه سه برابر پیشنهاد کرده است ما کرده‌ایم چهاربرابر وثانیاً این نسبت‌بوراث متوفیات‌بود که‌شایدمیتوانست ادا کند و حقیقتاً بواسطه کمی آن میتوانست جبران کندبازهم‌عقیده‌بنده‌این‌است که‌بایدنظروزارت مالیه معلوم شود که میتواند این حقوق را باین‌ترتیب ادا کند یا نه این شکل نمیشود در این رأی دادمثل حقوق فعلی نباشد که مردم مجبور شوند دو هزار تومانی سه هزار بگیرند که اسباب زحمت بیشترباشد

فهیم‌الملك - باز نفهمیده ام عرض کردم این لایحهٔ بود که در چند ماه قبل آوردند به مجلس قابل توجه شد رجوع‌شد بکمیسیون بعد آمدبمجلس و پیشنهاد شد بعضی ها رد شد بعضی ها قبول شد مجدداً آمد بکمیسیون و باحضور وزیر مالیه حالیه این طور اصلاح کردند حالا نمیدانم سر کار چه ایرادی دارید .

دکتر حاج رضاخان - ازاین‌ماده‌همچنین مستفاد میشود تقاضای وراث از وزارت مالیه خواهد شد وزارت مالیه هم مجاز است که حقوق آنها را بخرد و معلوم‌میشود که وزارت‌مالیه اگر محلی‌داشته باشد قبول خواهد کرد و اگر محل نداشته باشدقبول نخواهد کرد و در صورتیکه این قسم اختیار برای وزارت مالیه باشد نسبت به بعضی از وراث اسباب ضرر خواهد شد و این باید تعمیم داشته باشد دولت اگر محلی داشته‌باشد منحصر بوراث نخواهد بوددر صورتیکه منحصربوراث باشد یك پانزده ساله‌خواهد بود ولی در صورتیکه تعمیم داشته باشد یك مدت مدیدی خواهد بود و این‌برای‌دولت خیلی بهتراست و ما مجبورنیستیم که چون راجع بورثه متوفیات‌است یك ماده باو اضافه بکنیم و تعمیم بدهیم بنده گمان میکنم که درتعمیمش هم از برای دولت خیلی اسباب صرفه باشد و هم ازبرای صاحبان حقوق در صورتی که اختیار با وزارت مالیه باشد برای بعضی ازوراث اسباب ضرر خواهد بود .

فهیم‌الملك - بنده تصور میکنم که هیچ‌لازم نباشد که یك ماده قانونی که اینجا نوشته میشود هر چیز دیگری هم که در نظر داشته باشند در آنجا بگنجانند هیچ مانعی نخواهد داشت که فردایش یك ماده را پیشنهاد بکنید که حقوقیکه دو تومان‌یاپنج تومان هرچه باشد شاید بخواهید یك ترتیب بهتری برای ما بگذارید بجهت اینکه وضع درباب حقوق حالیه با وضع وراث متوفیات خیلی تفاوت داردالان وزارت مالیه میتواند بشما بگوید که چقدر وراث متوفیات حقوق‌دو تومانی دارند معین خواهد بودولی این را بهتر میتوان معین کرد که چقدر خواهد شد شما میتوانید یك پیشنهادی بکنید یا بیست تومان یا ده تومان تا پنج تومان یا هرمقداری که میخواهید اینجا هم یك ماده‌خارجی داخلش بکنیم تصورمیکنم که این ماده را هم لغو میکند اگر این را عقیده دارید اصلا مقدارش را از وزارت مالیه میتوانید استفسار بفرمائید و یك پیشنهادی هم بفرمائید شاید وزارت مالیه همراه باشد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد چهار فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود .

(اصلاح شاهزاده محمد هاشم میرزا بعبارت ذیل خوانده شد) .

بنده پیشنهاد میکنم ماده‌دو اینطور نوشته‌شود هریك از صاحبان حقوق که از بیست تومان کمتر داشته باشند از وزارت مالیه تقاضا نماید که با او همین معامله‌شود وزارت مالیه‌مجاز است که سه‌برابر آن را باو ادا نماید .

محمد هاشم میرزا - آن علتیکه واداشت وزارت مالیه را باین پیشنهاد اگر خاطر آقایان باشد فقط مقصود قطع حقوق نبود وزارت مالیه این بود که میگفت چون دو تومان کمتر که باید قرمان صادر بشود آنقدر وقتی که ار اجزاء وزارت مالیه بجهت نوشتن فرمان تضییع‌میشود خیلی قیمت‌آن‌بیش از اندازه است که در چند سال باو داده میشودلهذا چنین صلاح دید که از دوتومان کمتر را ضبط کند وسه تومان چنانچه پیشنهاد شده است بآنها داده‌شود این هم ار کمیسیون قوانین مالیه گذشت و مطلبی نیست و هیچ مقصودی وزارت مالیه غیر از آن‌ندارد حالا که آقایان آمده اند در کمیسیون صلاح‌دیده‌اند که یك ماده‌اضافه کنند که اگر از دو تومان بیشتر یا بیست تومان داشت و تقاضا کرد وزارت مالیه مجاز است با او این معامله را بکند آن وقت از میزان دو تومان که گذشتم و به بالا تر رفتیم هیچ اختصاصی بوراث وغیروراث ندارد پس معلوم میشود که آن‌فلسفه اولی‌تغییر کرد ویك‌فلسفه‌دیگری پیش آمد که اشخاصیکه بیست‌تومان هم‌دارندمیتوانند این‌تقاضا رابکنند ووزارت مالیه‌هم مجاز خواهدبود که‌آن‌را بپذیرد آقای مخبرمیفرمایند که‌این ماده‌ربطی باقانون متوفیات ندارد عرض میکنم که اگر آنطور باشد که اینماده هیچ ربطی بقانون متوفیات ندارد دیگریك‌لفظ وارثی‌بعدهم باقانون متوفیات‌نمینویسیم قانون وظایف است پارسال‌هم که نوشته شد قانون وظایف بودوملحق بقانون‌وظایف‌شدقانون‌وظایف هیچ درضمنش نیفتاده است‌که باید جمیع موادش راجع بمتوفیات باشد یکی دوماده اش که منجمله‌ماده‌نهمش که‌تومانی هفت‌هزار که‌خرج فرمان بود بکلی‌موقوف خواهدبود مثل‌اینکه امروز هم کسی‌بخواهد مواجب درست کند وفرمان صادر کند تومانی هفت هزارش موقوف‌است‌پس‌قانون وظایف لازم‌نیست که‌درهرماده حتماً راجع بمتوفیات‌باشد این‌جوابی‌است که‌درمقابل عرض‌میکنم اماآن‌فرمایشی که فرمودند که‌وزارت‌مالیه نمیتواند عمل‌نماید یعنی‌بودجه مملکت کفایت‌نخواهد کردعرض میکنم که‌لفظ مجازراگویا فراموش کرده اند لفظ مجاز یعنی هروقت‌که وزارت مالیه بداند که بودجه‌کافی است اینکار را خواهد کرد یعنی‌وقتی‌که میخواهد بودجه را پیشنهاد میکند بطور فوق‌العاده بعضی چیزها که در بودجه پیشنهاد میکنند خواهد گفت‌که امسال میتواند ده‌هزار تومان یابیست هزار تومان یاصد هزار تومان حقوق بخرد در آنوقت کمیسیون بود .که درآن‌سال خواهدبود راجع به همان‌سنه مالیه باو اعتبار خواهد داد اگر نپذیرفت

مثل سایراعتباراتیکه وزارت مالیه میخواهدوباوداده نخواهدشد وگمان میکنم که خیلی منفعتش بیش از آن قانون است که بگذاریم بجهت اینکه آن فقط برای وراث بود ومدتی که دولت میخواست اینحقوق را ادا بکند ۱۵ سال خواهدبود ولی‌آنکسیکه‌زنده است معلوم نیست که این‌چهل یا ۵۰ سال دیگر عمر خواهد کرد وبعدهم‌حقوق‌اوشاید یك‌وارث یادووارث داشته باشد که دوتومان باو داده بشود پس‌اینمطلب باین‌خوبی راگمان ندارم که باین احتمالی که آقای مخبر کمیسیون میفرمایند بشود رد کرد باین جهت بنده تقاضا وپیشنهاد کرده‌ام که اگر بیش‌ازدوتومان باشد تابیست تومان‌وزارت مالیه مجازاست‌باوسه‌برابر بدهد وحقوق‌اورا ضبط نماید وجالا آقای‌مخبراگر هم‌عقیده بابنده هستند قبول خواهند کرد والا رد بکنند .

فهیم‌الملك — امااینکه تفکیك کردید قانون وظایف را از قانون متوفیات‌خیلی‌متأسفم‌که قانون وظایف راهیچ نخواندند بجهت‌اینکه‌دراولش ابتداء مینویسد : بسم‌الله الرحمن‌الرحیم‌وظیفه یك مرسومی است که بیازماندگان درباب حقوق دیوانی ازهرقبیل داده‌میشود یعنی‌یك دسته که‌رئیس آنها فوت میکند آنهابازماندگان اوهستند آنوقت یکی‌یکی میگوید ورثه که باشد وغیره در ماده‌ثانی که‌نوشتیم تمامش راجع بمتوفیات است بعدیك ماده درآن آخر بیرون میآید که‌کلیه درباب حقوقی که حقوقشان کمتراز دوتومان است این سه قانون را پیش‌هر کس بگذاریدبخواند آخری‌راهیچ‌ذهنش‌نخواهد رفت که‌راجع‌خواهدشد بمتوفی بعلاوه‌عرض نکردم که‌مخالف هستم عرض کردم‌یکقدری‌بیشتر دقت‌بکنید وبدون‌ملاحظه ودقت‌یك‌پیشنهادی‌رانکنید که‌پسفردا دچار اشکال شویم عرض کردم امروز وزیر مالیه میتواند بشماصورت بدهد که چقدر حقوق‌دو تومانی وچقدر پنج‌تومانی هست وچقدر بیست تومانی‌این‌را میتوانیدیابطور اجازه‌یاتقاضا یااجبارهرطورمیخواهید پیشنهاد کنید بنده‌عرض نمیکنم که صحیح‌نیست‌صحیح است اما عرض‌میکنم که مانعی‌نیست‌از این که‌آن کار را هم بکنیداین‌قدم را بردارید بعد هم بروید یك کار دیگر بکنید شاید وقتی که صورت را آوردند بعد شما معین کنید سالی یك مبلغی برای خریدن این گونه حقوق‌سالیانه هیچ‌اشکالی نخواهد داشت از اینکه یك هفته دیگر همچو ماده پیشنهاد بکنید خودتان تصور بکنید که‌یك‌همچو ماده بطور ابهام راجع به‌ارباب‌حقوق‌نوشته‌شود آیامفهوم‌از آن‌خواهدشد یامفهوم‌نخواهدشد بنده‌تصور میکنم‌مفهوم‌نشود بنده‌مخالفهم نیستم باآنکه پیشنهاد کرده اید ازراه خودش‌پیش بیاید یك قدم ازاینجا بردارید یك قدم هم ازجای دیگر .

رئیس - رأی می گیریم باین اصلاح شاهزاده محمد هاشم‌میرزا آقایانیکه موافق هستندقیام نمایند (اکثر قیام نکردند) قابل توجه‌نشد اصلاحی از طرف حاج شیخ اسدالله شده است قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد) .

بنده پیشنهاد میکنم که ماده دویم این نوع نوشته شود - هریك ازارباب حقوق که‌حقوق آنها متجاوز ازبیست تومان نشود میتواند تقاضا نمایدکه با او نیز همین معامله بعمل‌آید وزارت مالیه مجاز است که تقاضای اورا پذیرفته در صورتیکه متجاوز از دوتومان نباشد وپنج برابر واضافه از دوتومان چهار برابر باوداده شودوآن مبلغ راضبط نماید .

(اظهارشد این‌عین ماده است) .

حاج‌شیخ اسدالله - عین‌ماده نیست .

رئیس - بفرمائید چه‌تفاوت دارد .

حاج‌شیخ اسدالله — در خصوص اینکه درمقابل آن حقوق بآنها چهاربرابر یا پنج برابر بدهند این مطابق باماده است ولی در فقره اولی چنانچه شاهزاده محمد هاشم‌میرزا فرمودند بنده هم عرض کردم که‌باید تعمیم داد بین‌ورثه متوفیات‌وغیر متوفیات واین مخصوص به متوفیات نیست اما این فرمایشاتی را که فرمودند دیگر بنده کاری باین ندارم که این مواد راجع بقانون وظایف است یا قانون متوفیات بنده عرض میکنم ما میدانیم که‌بی ترتیبی بودجه‌مملکت‌وخرابی‌آن بیشتر بواسطه‌همین حقوق است که‌بی ترتیب‌است‌وباید هروقت ازاوقات که بتوانیم بطوریکه اسباب زحمت برای ارباب حقوق نباشد بارضایت‌خود آنها تسویه بکنیم وفعلا این ماده که‌دراینجا نوشته میشودبنده عرض‌میکنم همین‌حالا موقع این‌است که‌نوشته شود از مجلس بگذرد دیگر ماصبر بکنیم که‌یك قانونی ازطرف وزیر پیشنهاد بشود چه فایده دارد درصورتیکه ما نمیخواهیم یك تحمیلی‌برارباب‌حقوق بکنیم واسباب صدمه برای آنهاباشیم‌بنده عرض میکنم که‌اختصاص به‌متوفیات ندارد درصورتیکه ارباب‌حقوق‌حقوقشان ازبیست تومان‌متجاوز نباشد به‌میل خودشان‌میتوانند ازدولت تقاضا کنند وحقوق خودشان را به دولت بفروشنددولت‌راهم‌نمیخواهیم مجبو بکنیم بخریدن اینگونه حقوق که‌بفرمائید مالیه دولت کافی نیست وزارت مالیه مجازاست یعنی میتواند آن تقاضا را قبول بکند ومیتواند قبول نکند و رد بکند بااین یاناتیکه شد بنده عرض میکنم بهمان ترتیبی که شاهزاده پیشنهاد کردند ومتمم آن پیشنهاد همین فقره ماده‌است که‌بنده درپیشنهاد خودم نوشته‌ام که باید چهارمقابل ازدو تومان که متجاوز شد بآنها بدهند اگرچه گمان میکنم که‌بازهم رأی بگیرند شاید آقایان رأی‌ندهند ولی‌بنده عقیده‌خودم‌راعرض میکنم که باید بهرشکلی که‌بتوانیم بارضایت‌ارباب حقون بودجه‌مملکتمان راتسویه واصلاح بکنیم که بیشتر اوقات اجزاء مالیه امروز صرف همین‌حقوق جزء است .

رئیس- بنابود که‌شما مختصراً توضیح‌بدهیدو مطولا فرمودید .

حاجی‌شیخ‌اسدالله - خیلی خوب توضیح بنده همین‌قدر بود .

رئیس - قسمت اول این پیشنهاد را هیچ نمیتوانیم‌رأی‌بگیریم‌بجهت اینکه قسمت اولش‌موافق پیشنهادمحمدهاشم‌میرزا است که‌ردشد وقسمت‌آخرش هم موافق باخود ماده‌است .

حاج‌شیخ اسدالله -پیشنهادبنده باپیشنهاد شاهزاده فرق داشت !

(ازطرف‌آقای‌ناصرالاسلام‌اصلاحی بعبارت‌ذیل پیشنهادشد) .

(بنده پیشنهاد میکنم که جزء اخیر ماده دویم این نحو نوشته‌شود در صورتیکه متجاوز از بیست تومان نباشد تادوتومان آنرا پنج‌برابرواضافه دو تومان راسه برابر باو داده آن مبلغ را ابدی ضبط نماید)

ناصر الاسلام — این گویامحتاج بتوضیح نباشد مایك چیزی میخواستم عرض کنم که این گویا قانونی باشد که پیشنهاد هائیرا که از طرف وزیر میشود باید وزیر یا معاونش حاضر باشد و دفاع بکند از پیشنهادیکه خودش کرده است و گاهی میشود که بعضی از وکلاء بخواهند تحقیق بکنند وبعضی ادله‌که شاید اگر معاون باخود وزیرحاضر باشد بتواند بگویدکه وکلا شاید نتوانند بگویند بدبختانه در اغلب جلسات نه وزراء حاضر میشوند نه معاونینشان و بنده این اصلاحیرا که پیشنهاد کرده ام گویا مطابق باشد با پیشنهاد وزیر و مصلحت امروزه گویا بیش از این‌مبلغ نباشد.

فهیم الملك — فرمایشاتشان صحیح‌است ولی در این خصوص از وزارت پیشنهادی نشده است وپیشنهاد وزارت راجع بود بهمان دوتومان‌و این مسئله درکمیسیون اضافه‌شد

رئیس — رأی‌میگیریم‌باین اصلاح آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

اغلب قیام‌نمودندقابل توجه شدچون قابل‌توجه شدبرمیگردند به‌کمیسیون این‌قانون هم‌امروزمیماند دستور جلسه آینده دستور شنبه ۲۸ سابقاً لایحه تفتیشیه را جزء دستو کرده بودیم و لکن هنوز نفرستاده‌اند این است که هر وقت‌که فرستادند جزء دستور میگذاریم این قانون که امروز میرود به کمیسیون جزء دستور میشود علاوه بر این بودجه هذه‌السنه مجلس و تفریغ بودجه ایتئیل مجلس - طرح قانونی راجع بتجزیه بلوچستان از کرمان دستور سه‌شنبه غره جمادی‌الثانیه — قانون طبابت قانون استخدام - راپورت کمیسیون معارف راجع بماده ششم قانون معارف -دستور پنجشنبه سیم‌شور دویم قانون پستی شور دربقیه قانون استخدام — آقای بهجت راجع بدستور اظهاری دارید .

بهجت — بله عقیده‌بنده این‌است‌که قانونی که در کلیاتش رأی داده‌شد آن قانون استنهایت در موادش باید بحث شود و بگذرد قانون اخذ سوار از ایلات در مجلس کلیاتش مذاکره شد و گویا شور اولش هم تمام شد یا قریب‌الاتمام است وعقیده بنده وتمام نمایندگان هم این‌است که‌قانون اخذ سوار از ایلات خیلی لازم است با وجود این که خیلی قانونهاست که میآید و میگذرد و این قانون که شور اولش هم شده‌است نمیگذرد وجزء دستور نمیآید درصورتیکه خیلی از ایلات ما هم تعیین کرده‌اند و حاضرند سوار هایشان را بدهند باین جهت تقاضا میکنم که دوشنبه یا سه‌شنبه این مسئله جزء دستور بشود .

رئیس — پانزده نفر بنویسید وامضاء کنید بفرستید که جزء دستور شود دیگر اظهاری در باب دستور نیست .

عز الملك — بنده هم مدتی است که طرح قانونی راجع بعدم قبول نمایندگان شغل دولتی را خواه درمدت نمایندگی‌خواه بعدازاستعفاء

تا آخر دوره وکالت پیشنهاد کرده‌ام و تقریباً هشت ماه است از کمیسیون مبتکرات راپورت آن‌رابمجلس تقدیم کرده‌اند استدعا دارم جزء دستور شنبه مقرر بفرمائید .

رئیس — هریك از آقایان نمایندگان یك طرحی پیشنهاد کرده اند اگر بنا بشود که تمامش را در شنبه و پنجشنبه جزء دستور بگذاریم نمیشود چند فقره قانون مهم در دست داریم شور اولش تمام‌شده است شور دویمش هم که تمام شد آن وقت بسایر مطالب میپردازیم و همین طور که عرض کردم پانزده نفر امضاء کنندو بفرستند هر روزی که تقاضا کنید جزء دستورشود .

لواءالدوله — تقاضائی کرده بودم و چند نفر هم امضاء کرده بودند راجع بطرح قانونی آقای معززالملك و ترفیع رتبه نظامی فرمودید جزء دستور میگذاریم ونگذاشته‌اید .

رئیس - برای روز پنجشنبه ممکن است .

حاجی شیخ علی خراسانی — دیروز در جواب بنده که عرض کردم راجع بطرح قانونیکه وصول مالیات باید بموجب تمبر بشود آقای فهیم‌الملك فرمودند آمده است بکمیسیون قوانین مالیه و رد شده است بنده هیچ راپورت قوانین مالیه‌راندیدیم که کمیسیون قوانین‌مالیه‌رد کرده باشد نه در راپورت آقای رئیس کمیسیون قوانین مالیه نه در راپورت های دو ماهه یا چهار ماهه که همیشه از کمیسیون‌میآید همچوچیزی دیدم بنده تصور میکنم آن راکه آقای فهیم‌الملك تصور کرده اند طرح دیگری بوده است و اشتباه کرده اند دیگر اینکه وزیر مالیه یك طرحی رارد یا قبول بکند کافی نیست دلیل و برهان لازم دارد هیچ دلیل و برهانی نیست و اینکه مالیات که گرفته میشود نباید در عوض قبض و تمبر داده نشود ـه دلیلی داریم که ندانیم آقایانیکه مالیات‌میگیرند چه اندازه میگیرند و آنهائیکه مالیات میدهند ندانند چقدر باید بدهند و چقدر از آنها باید بگیرندالبته وقتیکه تمبر و قبض ایجاد شد هم رعیت هرچه بدهد بکیسه‌دولت خواهدآمد هم اینکه میگویندو کرور از مالیات وصول نشده معلوم خواهد شد که صاحب جمع کیست که‌این وجه درعهده‌او بوده‌است‌ولاوصول مانده وبدست‌نیامده .

رئیس — اینجا (محل نطق) نیامده اید برای دفاع از این لایحه اینجا آمدید برای اینکه در دستورصحبت‌بکنید این را بنویسید ۱۵ نفرامضاء کنند بنده هم‌رأی‌میگیریم .

(مجلس‌مقارن غروب ختم‌شد)

جلسه ۲۵۲

صورت مشروح روز شنبه ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۲۹

رئیس آقای موتمن‌الملك ۳ ساعت وربع قبل از غروب آفتاب بکرسی ریاست جلوس نموده و بعداز بیست دقیقه مجلس رسماً تشکیل شد .

صورت مجلس روزپنجشنبه ۲۶ را آقای معاضد الملك قرائت نمود .

(غائبین جلسه قبل) معاضد السلطنه ـ آقا میرزااسدالله خان ـ ده‌خدا بدون اجازه ـحاج آقا ـ معدل الدوله ـ با اجازه غائب بوده دکتر اسمعیل خان ـ نیرالسلطان ـ آقا میرزا ابراهیم قمی ـ حاج امام جمعه هریك ۳۵ دقیقه ـ لواء الدوله ـ ناصر الاسلام ـ هریك نیم ساعت شیبانی ۱ ساعت — حاج مصدق‌الممالك ۱ ساعت ده‌دقیقه ازحضور در وقت مقرر تأخیر نمودند .

رئیس — آقای مدرس .

آقاسید حسن‌مدرس — مخصوصا در آن‌بیانیکه آنروز بنده‌عرض کردم که‌عقلاو تدیناً یك‌نکته داشت که بنده عرض کردم و درصورت مجلس‌نوشته نشده است .

رئیس — اصلاح میشوددیگرملاحظاتی‌هست .

عزالملك — در جلسه گذشته بنده یك تقاضائی کردم در موقع اعلان دستور رئیس در جواب فرمودند باید ۱۵ نفر آن تقاضارا هم‌امضاء بکنند بعد بنده اخطار نظامنامه کردم وآقای‌رئیس اجازه ندادند در صورت مجلس نوشته نشده است خوب بود قید بکنند .

رئیس — اخطار نظامنامه شما نکردید و بنده‌هم‌نشنیدم برای اخطار نظامنامه‌هم اجازه داده نمیشود درصورتیکه یکدفعه گفته باشیدوبنده‌نشنیده باشم مکرر بفرمائید

عزالملكـ حالاهروقت‌اجازه‌میفرمائیدعرض‌میکنم.

رئیس — درصوت مجلس دیگر ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

حالا اگر اخطار نظامنامه دارید میتوانید بفرمائید

عزالملك — هرگاه در موقع دستوریك تقاضائی میشود آقای رئیس جواب میفرمایند که‌باید ۱۵ نفر این تقاضا را امضاءبکنند وبنده‌همچوماده را در نظامنامه داخلی نمی بینم مگراینکه درنظام نامه ماده ۱۱۵ مینویسدکه رئیس‌قبل از اینکه‌جلسه را ختم نماید درباب دستور جلسه آتیه یعنی تعیین روز و ساعت و موضوع مذاکرات بمجلس رجوع مینماید دستوریکه باین ترتیب قرار داده شده است د محوطه مجلس و روزنامه رسمی اعلان خواهدشد ولی مجلس درهر موقعیکه لازم بداندمیتواندستور خود را تغییر دهد) حالا اگر ماده دیگری هست که بنده ندیده ام . آقای رئیس خودشان خواهند فرمود .

رئیس — معنی (رجوع نمنماید) رااگر التفات بفرمائید این نیست‌که رئیس از مجلس رأی بگیرد بلکه مقصود آنستکه رئیس بعد از آنکه دستور را تعیین میکند سؤال میکند که‌مخالفی‌هست یانه وقتیکه مخالفی نبود معلوم میشود که آندستور قبول شده است و اما در مسئله ۱۵ نفر چندین‌مرتبه بنده این مسئله را اینجا عرضکردم‌و هیچ کس‌مخالف نبوده است ویاد دارم که‌در اوائل ریاست بنده اینجا بیاره محظورات راجع بدستور عرضکردم که هر کس بخواهد درموقع‌دستور یك‌مطلبی رابپیشنهاد بکند که جزء بشود و ما اگر بخواهیم در آنهارأی بگیریم دور نیست که هر روزی دو ساعت در آن حرف بزنیم ولی بهتر اینستکه مخبر های کمیسیون روز های شنبه بیایند بهیئت رئیسه که با مذاکره به آنها دستور هرهفته را تعیین بکنیم در اینجا هیچ اظهار مخالفتی نشد ولی هیچوقت‌مخبر های کمیسیون در این باب بهیئت رئیسه کمك نکردند بنده هم‌برای حفظ نظم مجلس برای اینکه هر جزئی مطلب که‌باید جزء دستور مجلس بشود دو ساعت مذاکره شود همچو صلاح دانستم و قرار دادم که آقایان وکلاء در خارج افکار خودشانرا حاضر کنند وقتیکه یك مسئله راجع بدستور عنوان می شود اقلا ۲۰ یا ۱۵ نفر همراه داشته باشند که اسباب زحمت نشود و محتاج بمذاکره ورأی گرفتن نشویم این یك ترتیبی بود که داده شد وآنوقت مخالفی در این خصوص نبود و حالا می‌بینیم که مخالف پیداشده است اگر اینطور است بنده بهمان‌ترتیبی که از سابق بوده‌است رفتار میکنم ولی دستور سه جلسه را دیگر اعلان نخواهم کرد برای اینکه آنوقت راجع بدستور سه جلسه مذاکره خواهد شد و خیلی از وقت ما را تضییع مینماید همان دستور یك جلسه گفته خواهد شد و اگر ملاحظاتی در آن داشته باشند میفرمایند — دستور امروز بودجه هذالسنه مجلس — لایحه تفریغ بودجه ایت ئیل مجلس راپورت کمیسیون داخله راجع به تجزیه بلوچستان از کرمان ـ شروع میکنیم بقانون بودجه هذالسنه مجلس چنانچه آقایان‌درخاطر دارند ماده ۲ ضمیمه بلا تکلیف مانده رجوع‌شده بکمیسیون محاسبات کمیسیون محاسبات راپورتی داد، است چون خیلی جزئی بود صلاح ندید طبع و توزیع بشود اینست که خوانده میشودودر ماده ۲ رأی میگیریم وبعداز اینکه ماده ۲ تصویب شد در ماده ۱ لایحه قانون بودجه رأی خواهیم گرفت ماده ۲ ضمیمه ماده ۱ لایحه قانون بودجه راپورت کمیسون محاسبات بعبارت ذیل قرائت شد .

ماده ۲ ضمیمه حقوق اجزاء تقنینیه سالیانه ۱۳۲۵۴۰ قران .

راپورت کمیسیون — کمیسیون محاسبات روز شنبه ۲۸ جمادی‌الاول در تحت ریاست آقای دکتر حیدر میرزا دوساعت قبل از ظهر منعقد گردید ماده ۲ بودجه مجلس که از مجلس‌بکمیسیون برگشته‌بود مطرح مذاکره گردید کمیسیون‌محاسبات باکثریت ۲۰ تومان علاوه بر یکصد و هشتاد تومان سابق قبول کرد که دویست تومان بمعاون اداری و رئیس دارالانشاء در ماه داده شود درخصوص تندنویسان کمیسیون بهمان عقیده سابق خود باقیست

معاضدالملكـ اگرچه‌راجع‌بتندنویسان‌بنده درجلسه گذشته توضیح‌دادم لکن متاسفانه‌باز میبینم که اعضاء محترم کمیسیون محاسبات همانطور دو نفر تند نویسرا رد کرده اند وگمان میکنم که آنروز درست‌عرایض بنده‌را ملتفت‌نشدند از اینجهت‌مجبورم ثانیاً توضیح بدهم که اگر بنا باشد عدهٔ هردسته از تندنویس سه‌نفر باشد و یکنفر مقطع که من حیث المجموع چهارنفر باشد بنده عقیده‌ام اینستکه‌هردو دسته را مجلس اجازه بدهد یك دسته باشد و کامل باشد نه اینکه دو دسته باشد و ناقص چون ناطق که شروع بنطق میکند درصورتیکه عده‌تندنویس سه نفر باشد مقطع دو جمله اول نطق‌راباولی‌اشاره میکند و همینطور جملهٔ دویم را و سیم‌رابدویمی و سومی وقتیکه برمیگردد که ثانیاً بولی اشاره بکند او هنوز آن جمله‌را که باو اشاره شده است تمام نکرده است تااینکه دومرتبه بنویسند ودراینصورت